

Expectation or Reliance: An Analysis of aJudgments Rendered in a Case Regarding Telecommunication Services Company with Respect to Criteria for Assessing Loss of Profit

 **Abbas Mirshekari**

associate professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
mirshekariabbas1@ut.ac.ir

 **Mona Abdi**

Holder of PhD in private law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)
monaabdi7@yahoo.com



Abstract

Imagine a contract concluded between A and B for provision of certain goods or services.

A incurs 30 units of costs to implement the contract, including renting premises, hiring workers, vehicles, providing materials and equipment, etc., and prepares to implement his obligations by considering 10 units of profit for himself.

Under these circumstances, if B breaches the contract, how much compensation can A receive from B. In determining compensation for A, should one look to the future and consider the profit that could have been obtained from implementing the contract, based on his expectations (the criterion for expectation damages), or should one take into account the past and determine compensation

based on the costs and damages that A has incurred (the reliance damages criterion) or can one simultaneously assess the damage incurred based on both methods and force the obligor to pay their total (profit that could have been acquired + loss

Journal of Critical Analysis of
Judicial Decisions

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 4 | No. 8 | Fall 2025 Winter
2026 (Original Article)

www.Analysis.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/analysis.2025.2073654.1123


incurred)? The answer given for a long time by prominent writers and justices in the common law was in the negative, arguing that applying more than one assessment criterion to each case would lead to double recovery and therefore only one criterion should be applied to assess the damages incurred. However, after a while, this objection was answered by lawyers and economists to the effect that what causes double recovery for damages is the assumption that it is gross profit that is being calculated. However, if it is the net profit, there would be no obstacle to issuing a judgment to compensate for the costs incurred in addition to the expected benefits, if certain conditions exist, and the only limitation in this regard is to pay attention to the rule of the "prohibition of double recovery." The judgments analyzed in this article are some of the few notable judgments in this field that have examined this issue in Iranian law; however, due to ambiguity concerning the existence of the necessary conditions for calculating certain costs, they seem open to criticism.

Keywords : contractual expectation, reliance on the contract, net profit, gross profit, prohibition of double recovery.



انتظار یا اعتماد: تحلیل آراء صادرشده در یکی از پرونده‌های شرکت خدمات ارتباطی در خصوص ضابطه ارزیابی خسارت عدم النفع

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران، تهران، ایران
mirshkariabbas1@ut.ac.ir

عباس میرشکاری 

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی،
تهران، ایران (نویسنده مسؤول)
monaabdi7@yahoo.com

مونا عبدی 



دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۴ | شماره ۸ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.Analysis.llrc.ac.ir

DOI:

10.22034/analysis.2025.2073654.1123

چکیده

تصور کنید قراردادی میان الف و ب برای ارائه کالا یا خدمتی منعقد شده است. الف برای اجرای قرارداد، متحمل ۳۰ واحد هزینه از جمله اجاره محل و کارگران و وسایل نقلیه، تأمین مواد و تجهیزات و غیره شده و با در نظر گرفتن ۱۰ واحد سود برای خود، آماده اجرای تعهداتش می‌شود. در این میان اگر ب قرارداد را نقض کند، الف چه میزان می‌تواند از ب غرامت دریافت کند؟ آیا در تعیین غرامت برای الف، باید نظر به آینده داشت و با توجه به انتظار وی، سودی را که می‌شد از اجرای قرارداد، حاصل شود در نظر گرفت (ضابطه خسارات انتظاری) یا آن که باید به گذشته چشم دوخت و با توجه به هزینه‌ها و خسارتهایی که الف متحمل شده، غرامت را تعیین کرد (ضابطه خسارات اتکایی) یا آن که می‌توان همزمان براساس هر دو روش، زیان وارده را ارزیابی کرد و متعهد را به پرداخت مجموع آنها (سود قابل تحصیل + زیان وارد شده) محکوم کرد؟

پاسخی که تا مدتها توسط نویسندگان و قضات برجسته در کامن لاداده می‌شد، منفی بود با این استدلال که اعمال بیش از یک ضابطه ارزیابی در هر پرونده، منتهی به جبران مضاعف خسارت می‌شود. بنابراین، صرفاً باید یک ضابطه برای ارزیابی خسارات وارد شده به کارگرفته شود اما پس از مدتی به این ایراد توسط حقوق دانان و اقتصاددانان پاسخ داده شد با این توضیح که آنچه سبب جبران مضاعف خسارت می‌شود فرضی است که سود، به صورت ناخالص حساب شده باشد اما اگر خالص باشد صدور رأی به جبران هزینه‌های صورت گرفته علاوه بر منافع مورد انتظار، در صورت وجود برخی شرایط، بامانعى مواجهه نیست و تنها محدودیت در این زمینه توجه به قاعده «منع جبران مضاعف خسارت» است. آراء مورد تحلیل در این نوشتار یکی از معدود آراء قابل توجه در این زمینه است که به بررسی این موضوع در حقوق ایران پرداخته است؛ هر چند به دلیل ابهام در وجود شرایط لازم برای محاسبه برخی هزینه‌ها، قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: انتظار قراردادی، اتکا به قرارداد، سود خالص، سود ناخالص، منع جبران مضاعف خسارت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اقتصاد امروز متشکل از هزاران شرکت و بنگاه است که در مقیاسهای مختلفی به فعالیت می‌پردازند. تمامی این بنگاههای اقتصادی در هر مقیاسی که باشند در دو مورد مشترکند: اولاً متحمل هزینه‌هایی برای تولید می‌شوند که این هزینه‌ها نقش کلیدی در تعیین سطح تولید و قیمت‌گذاری دارد و ثانیاً هدف اصلی آنها از فعالیت اقتصادی، کسب سود و حداکثر کردن آن است. (گریگوری، ۱۳۹۳: ۳۰۱ و ۳۰۲) اگر به دلیل نقض تعهدات قراردادی، سود مورد انتظار و قابل پیش‌بینی بنگاهها محقق نشود تبعات سنگینی برای آن بنگاه و در مقیاس کلان‌تر برای اقتصاد یک جامعه خواهد داشت. از همین رو یکی از کارکردهای مهم نظام جبران خسارات در کشورهای مختلف^۱ حمایت از این سود و جبران آن تحت عنوان

^۱. به همین علت هم در اکثر قوانین مدنی کشورهای دنیا به قابلیت جبران منافع از دست‌رفته همراه با زیان واردشده تصریح شده است. با توجه به این که حقوق تطبیقی به عنوان روشی برای توسعه و اصلاح حقوق ملی نقش مهمی در پویایی علم حقوق دارد ذکر برخی موارد از قوانین کشورهای دیگر در این خصوص مناسب و کمک کننده خواهد بود. (جنیدی و راضی، ۱۴۰۳: ۶۳ به بعد)

صرف‌نظر از کشورهای کاملاً که بسیار مورد مطالعه پژوهشگران قرار گرفته حتی کشورهایی با حقوق اسلامی و کشورهای شرقی نیز قابل اشاره هستند. به‌عنوان نمونه، در فصل هشتم قانون مدنی چین ذیل ماده ۵۸۴ چنین آمده است: «هرگاه یک طرف تعهد خود را انجام ندهد یا اجرای تعهدش مطابق قرارداد نباشد، خسارت قابل جبران معادل زیان حاصل از نقض قرارداد است که از جمله شامل منافع است که در صورت اجرای قرارداد حصول آن مورد انتظار بوده است؛ لکن زیان حاصله نباید از خسارتی که خاطی در زمان انعقاد قرارداد از نقض قرارداد پیش‌بینی کرده، یا باید پیش‌بینی می‌کرده، تجاوز کند.» (شیروی، ۱۴۰۰: ۱۶۳).

در فصل دوم قانون مدنی مصر تحت عنوان جبران خسارت به جای اجرا ذیل ماده ۲۲۱ آمده است: «چنانچه در عقد یا به موجب قانون میزان خسارت تعیین نشده باشد، قاضی میزان خسارت را تعیین خواهد کرد. میزان خسارت شامل زیان‌هایی است که متعهدله متحمل یا منفعی که از آنها محروم شده است مشروط بر این که نتیجه طبیعی عدم ایفاء یا تأخیر در ایفاء تعهد باشند. این زیانها وقتی نتیجه طبیعی محسوب می‌شوند که متعهدله نتواند با کوشش معقول، مانع حدوث آنها شود...» (نوری، ۱۳۹۲: ۷۰)

همچنین در بند سوم از گفتار دوم قانون مدنی عراق تحت عنوان مسؤولیت قراردادی (ضمان قراردادی) ذیل ماده ۱۶۹ آمده است: «۱- ... ۲- خسارت ناشی از تعهدات قراردادی شامل کلیه تعهداتی که منشاء آن، تعهد به انتقال مالکیت یا منفعت یا هرق عینی دیگر باشد یا تعهد به انجام عمل یا خودداری از اقدام عملی خاص خواهد بود. خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد شامل منافع فوت شده به سبب تضييع حق بر او یا تأخیر در ایفاء شرط است، مشروط بر این که اینگونه منافع نتیجه طبیعی عدم وفاء مدیون یا تأخیر او از اجرای تعهد باشد. ۳- ...» (ربیعی و تاتاری، ۱۴۰۱: ۴۸)

«خسارت عدم‌النفع» یا -با تفاوت‌هایی- «خسارات انتظاری» است. با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ای که سود در اقتصاد امروزی ایفا می‌کند می‌توان ادعا کرد که در پذیرش قابل جبران بودن آن در فرض نقض تعهدات، تردیدی نمی‌توان داشت و آن چه بیشتر در مطالعات این حوزه مورد بررسی و کنکاش محققان قرار گرفته، دقت و احتیاط فراوان در مرحله ارزیابی و محاسبه آن است. سه معیار یا ضابطه شناخته‌شده در بحث جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا مطرح می‌شود که با عناوین خسارات «انتظاری یا متوقع»، «اتکایی» و «استرداد یا اعاده‌ای» ارائه شده و در آثار بسیاری از نویسندگان حقوق داخلی (امینی و پیری، ۱۴۰۰: ۱۳۵ به بعد) (نقوی و طالب احمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۴ به بعد) (حسینی مدرس و گلشنی، ۱۳۹۲: ۲۷) نیز معرفی شده است. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تعبیر صحیح‌تر آنها خسارات ناشی از انتظارات قراردادی، اتکاء به قرارداد و استرداد یا اعاده آن چه به مناسبت قرارداد به طرف مقابل داده شده، می‌باشد. منظور از خسارات انتظاری، پاسخ‌گویی به توقع و انتظاری است که متعهدله از اجرای قرارداد دارد و منظور از خسارات اتکائی، جبران هزینه‌ها و به تعبیر دیگر، زیانهایی است که زیان‌دیده به سبب اتکا یا اعتماد به قرارداد، متحمل آنها شده است. خسارات استرداد یا اعاده‌ای نیز در دو معنای خاص و عام به کار می‌رود: ۱- استرداد یا اعاده آن چه خواننده از داراییهای خواهان به‌دست آورده و مبنای آن منع داراشدن ناعادلانه است و ۲- استرداد یا اعاده هرآن چه خواننده (ناقص) به سبب نقض -نه لزوماً از دارایی خواهان- به دست آورده و مبنای آن، قاعده منع خطاکار از منتفع شدن از خطایش است. عابدیان و عبدی، ۱۳۹۹: ۴۰۰ به بعد) ترجیح حقوق دانان در مرحله ارزیابی، استفاده از ضابطه اول یعنی خسارات ناشی از انتظارات قراردادی است که کامل‌ترین نوع جبران خسارات وارد شده است. موارد دیگر صرفاً یک جبران حداقلی و مضیق است برای شرایطی که به هر دلیلی امکان اعمال معیار خسارات انتظاری فراهم نباشد.^۱ (بنابراین برای رسیدن به اصل جبران کامل خسارات، معیار مطلوب ارزیابی، استفاده از ضابطه خسارات انتظاری است اما باید توجه داشت که

باتوجه به اینکه حقوق تطبیقی به عنوان روشی برای توسعه و اصلاح حقوق ملی نقش مهمی در پویایی علم حقوق دارد ذکر برخی موارد از قوانین کشورهای دیگر در این خصوص مناسب و کمک کننده خواهد بود.

^۱ . به عنوان نمونه، در صورت وجود محدودیتهای قانونی برای جبران برخی از مصادیق خسارات انتظاری یا عدم وجود ادله کافی برای اثبات آنها یا عدم امکان محاسبه دقیق آن یا به هر دلیل دیگر.

اصل جبران کامل خسارت دارای دو جنبه مثبت و منفی است. جنبه مثبت به این معناست که زیان دیده بعد از جبران خسارت نباید در موقعیتی بدتر از انجام تعهد قرارگیرد و جنبه منفی آن بدین معناست که جبران خسارت نباید به نحوی باشد که زیان دیده را در موقعیت **بهتری** از موقعیت انجام تعهد قرار دهد. این جنبه منفی نتایجی به همراه دارد (رنجبر، ۱۳۹۵: ۲۷) از جمله ۱. هزینه‌هایی که زیان دیده برای انعقاد قرارداد و یا عمل به تعهدات خود متحمل شده، قابل جبران نیست. ۲. اگر یک نفر وارد قرارداد نامناسبی شود به نحوی که نفس قرارداد وضعیت او را نسبت به قبل از انعقاد قرارداد تضعیف کرده باشد، زیان دیده نمی‌تواند جبران خسارت خود را مطالبه کند. ۳. هیچ خسارتی نباید بیش از یک‌بار جبران شود؛ این نتیجه را اصل «منع تکرار جبران خسارت» یا «منع جبران مضاعف خسارت» نیز می‌نامند. ۴. اگر متعهدله مزایا یا منافعی را به دلیل نقض تعهد به دست آورده باشد باید در محاسبه خسارت کلی در نظر گرفته شود. (رنجبر، ۱۳۹۵: ۲۸-۳۰) بنابراین براساس نتیجه اول، هزینه‌های متحمل شده در راستای اجرای قرارداد و عمل به تعهدات نباید مورد رأی قرارگیرد. اگرچه این مورد تا مدت‌ها به عنوان قاعده‌ای مسلم در کما لادر نظر گرفته می‌شد اما بعد از مدتی مورد چالش قرار گرفت و این سوال اصلی را در میان جامعه حقوقی ایجاد کرد که آیا امکان استفاده هم‌زمان از دو ضابطه خسارات انتظاری و اتکایی وجود دارد؟ به عبارت دیگر می‌توان هم به هزینه‌های انجام شده برای اجرای قرارداد و هم به سود مورد انتظار از اجرای قرارداد به صورت هم‌زمان رأی داد و اگر این امر، شدنی است در چه شرایطی امکان‌پذیر است؟ این سوال آغازی بر توجه به یک نکته ساده اما مهم و تأثیرگذار در مرحله محاسبه منافع بود و تحولی را در شیوه نگارش آراء این حوزه مبنی بر توجه به جزئیات و تصریح آنها در رأی ایجاد کرد.

در نظام حقوقی ایران اما مسأله قابلیت جبران خسارت عدم‌المنفع همواره بحثی پرچالش و مسأله‌آمیز بوده است. علی‌رغم سخت‌گیریهایی که مقنن در دوره پس از انقلاب نسبت به جبران این خسارت داشته، در سال‌های اخیر و همگام با انتقادات متعدد حقوق‌دانان از این خلاء بزرگ، حرکت‌های متحولانه‌ای در به رسمیت شناختن جبران آن در رویه قضائی و یکی از قوانین تازه تصویب - که در ادامه مقاله به آنها اشاره خواهد شد - آغاز شده که امیدها را برای جبران آن تازگی بخشیده اما چندان به مباحث مرحله ارزیابی و محاسبه پرداخته

نشده است. آراء مورد بررسی در این نوشتار یکی از تلاشهای درخشان این حوزه است که اگرچه از نظر وجود برخی ابهامات در مرحله محاسبه خسارت قابل تأمل است اما درکنار مباحث دیگر حقوقی - از جمله موضوعات شکلی و داورى و توجه به موجد حق بودن یا نبودن اشتباهات محاسباتی که می‌تواند موضوع نوشتارهای دیگری باشد - قابلیت جبران سود از دست‌رفته قراردادی را صراحتاً به رسمیت شناخته و به واقعیات اقتصاد امروز توجه ویژه‌ای نشان داده است.

۱ - شرح رویدادهای پرونده:

شرکت «ر» طی قرارداد شماره ۰۳۶۵ / ۹۳ / ۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ فروش ۱۰۰ هزار سیم کارت دینای این شرکت را به شرکت ا.ه.ک. واگذار می‌کند. مدت اجرای این قرارداد پس از ابلاغ شرکت «ر» به مدت یک سال شمسی جهت فروش سیم‌کارتها و دو سال شمسی جهت فروش بسته حجمی ترافیک مدت‌دار بر بستر APN می‌باشد. شرکت «ر» اظهار می‌دارد که شرکت ا.ه.ک. به تعهدات خود مبنی بر تکمیل اسناد و اطلاعات مشتریان، خرید سیم کارت طبق زمان‌بندی و به‌میزان مذکور در جداول پیوست قرارداد و دریافت مجوزها و الزامات دولتی مربوطه عمل نکرده و از این جهت متضرر شده است، در نتیجه، خواهان جبران خسارت ناشی از نقض تعهد به میزان تقریبی ۸۱،۴۴۲،۸۰۰،۰۰۰ ریال می‌شود. در مقابل، شرکت ا.ه.ک. مدعی است که ساختارها و امکانات لازم را برای انجام تعهدات خود فراهم ساخته و متقبل هزینه‌های سنگینی شده اما چون اجازه واگذاری و انتقال سیم‌کارتها به وی داده نشده و ظرفیتهای لازم فراهم نشده، نتوانسته به تعهدات خود عمل کند. از آن‌جا که در ماده ۱۶ قرارداد برای رسیدگی به اختلافات، داوران اختصاصی و داور مرضی‌الطرفین پیش‌بینی شده و از آن‌جا که طرفین در تعیین داور مرضی‌الطرفین به توافق نرسیده‌اند، موضوع در اجرای مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ ق.آ.د.م. جهت تعیین داور به دادگاه ارجاع شد و در نهایت، داور مرضی‌الطرفین توسط شعبه ۳۶ دادگاه عمومی مجتمع شهید صدر تهران انتخاب شد. شرکت ا.ه.ک. خواسته خود را بدین شرح اعلام کرده است: ۱- جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی با جلب نظر کارشناس ۲- استرداد ۱۷ فقره چکهای خرید سیم‌کارت و بسته‌های حجمی ترافیک مدت‌دار ۳- استرداد وجه‌الضمان موضوع ماده ۶ قرارداد. هیات داورى، پس از قبول داورى، رأی خویش را به شماره

۱۵۶/ب/۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۶ صادر کرد. خلاصه‌ای از محتوای این رأی بدین شرح است:

«رأی هیأت داورى»

«... نظر به این که تعهدات قراردادی موضوع این قرارداد امری فنی و تخصصی است لذا برای رسیدگی به ادعای نقض تعهدات قرارداد مذکور از سوی طرفین و ارزیابی خسارات ناشی از آن، هیأت داوران تصمیم گرفت تا موضوع به هیأت کارشناسان رسمی متشکل از دو کارشناس رسمی دادگستری در رشته آی تی و فناوری اطلاعات و یک نفر کارشناس رسمی دادگستری در رشته برق و الکترونیک و مخابرات ارجاع شود... هیأت کارشناسان در خصوص موارد مندرج در قرار کارشناسی بدین صورت نظر نهایی خود را اعلام کردند:

۱- طبق توضیحات مشروح بخشهای قبلی گزارش، شرکت «ر» به تعهد خود دایر بر قابلیت انتقال مالکیت یا امکان فروش تمامی سیم کارتهای موضوع قرارداد در شبکه فروش عمل نکرده است؛ ۲- طبق توضیحات مشروح بخشهای قبلی گزارش، شرکت ا.ه.ک به تعهدات خود در این خصوص عمل کرده است و آمادگی فنی لازم برای اجرای کامل قرارداد را داشته است؛ ۳- شرکت ا.ه.ک از عدم انجام تعهدات قراردادی توسط شرکت «ر» متضرر شده است؛ میزان خسارت واردشده ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی توسط شرکت «ر» پس از ارائه مستندات و تعیین روش محاسبه خسارت توسط هیأت محترم داوران و با همکاری کارشناسان رسمی ذیصلاح قابل محاسبه و ارائه است... پس از تعیین کارشناس رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابداری به قید قرعه مقرر شد تا در خصوص موارد زیر، نظر کارشناسی خود را اعلام دارند: الف - باتوجه به عناوین هفتگانه مندرج در بند ۴-۵ گزارش هیأت کارشناسان و سایر مستندات موجود، شرکت ا.ه.ک. به منظور فراهم کردن مقدمات اجرایی قرارداد چه میزان هزینه کرده است؟ ب- چنانچه قرارداد در مدت تعیین شده در ماده ۳ قرارداد اجرا می‌شود، شرکت ا.ه.ک چه میزان سود می‌برد؟ به عبارت دیگر منافع انتظاری این شرکت که به دلیل اجرا نشدن قرارداد از آن محروم شده چه میزان است؟

کارشناس منتخب پس از مشورت با هیأت سه نفره کارشناسی طی گزارشی بدین شرح اظهار نظر کرده است: ۱- در ارتباط با پرسش مطروحه در بند اول قرار کارشناسی با استناد

به بررسیهای صورت گرفته مبلغ هزینه‌های انجام شده توسط شرکت ا.ه.ک به صورت انباشته مبلغ ۳۰۴،۵۸۶،۵۳۹،۸۸۲ ریال است؛ ۲- در ارتباط با پرسش مطروحه در بند دوم قرار کارشناسی، این موضوع در قالب دو سناریو قابل محاسبه است: ۱-۲ سناریوی اول براساس اطلاعات برآورد هزینه‌های آتی جهت تکمیل ۱۰۰ درصد قرارداد منعقدۀ مطابق با بررسیهای جامع و محاسبات کارشناسی صورت گرفته براساس مدارک، مستندات و مفاد قرارداد به نظر این جانب، در صورت اجرای کامل مفاد قرارداد در طول دو سال (مدت اجرای قرارداد) و لحاظ کردن خدمات پشتیبانی شرکت در سال ۱۳۹۶ از بابت فروش سال ۱۳۹۵ (یک سال پس از اتمام قرارداد) به شرح مندرج در بند ۷ گزارش بالحاظ هزینه‌های انجام شده شرکت ا.ه.ک منطبق با صورت‌های مالی شرکت و هزینه‌های برآوردی و فروشهای قراردادی توسط آن شرکت به شرح جدول شماره ۱۲ گزارش، به نظر این جانب حداکثر میزان سود برآوردی (قابل تحصیل) شرکت ا.ه.ک با لحاظ مفروضات مرتبط و مشروحه از جمله برآورد هزینه‌های حقوق و دستمزد، اجاره محل و ... به شرح جدول شماره ۱۲ حداکثر معادل ۵۴،۰۰۴،۶۵۵،۹۹۹ ریال پیش‌بینی می‌شود. ۲-۲ سناریوی دوم با لحاظ این موضوع که اساساً بخش عمده‌ای از هزینه‌های مطروحه در سناریوی اول و همچنین درآمد پیش‌بینی شده براساس برآوردهای احتمالی و در صورت تحقق ۱۰۰ درصد مفاد قرارداد قابل تحقق می‌بوده است و این برآوردها منطبق با مفروضات و برآوردهای اعلامی شرکت ا.ه.ک است، لذا کارشناس بالحاظ این موضوع که برآوردهای صورت گرفته می‌تواند دارای انحراف احتمال نسبت به واقعیت باشد، در سناریوی دوم (عملکرد واقعی) شرکت ا.ه.ک منطبق با صورتهای مالی و شاخص تورم سالیانه بانک مرکزی معادل ۵۴،۰۰۴،۶۵۵،۹۹۹ ریال برآورد می‌شود...

«هیأت داوران در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ و در مدت دآوری براساس وجدان و عدالت و مطابق با حقایق مندرج در پرونده و مدارک و مستندات ارائه شده توسط طرفین و قوانین و مقررات موجود و گزارشهای کارشناسی مختلف ارائه شده مبادرت به صدور رأی کرده است: به اعتقاد هیأت داوران بنا به دلایل زیر عهدشکنی از جانب «ر» صورت گرفته است: ۱- شرکت «ر» ... به تعهد خود دایر بر قابلیت انتقال مالکیت یا امکان فروش تمامی سیم کارتهای موضوع قرارداد عمل نکرده است ... ۲- شرکت ا.ه.ک در راستای ماده ۸ قرارداد نسبت به

تأمین زیرساخت‌های فنی لازم برای فروش محصول و ارائه خدمات پشتیبانی و فنی، ایجاد شبکه بازاریابی و فروش ... اقدام کرده است و در عمل مشتریان مربوط از خدمات اینترنتی ایجاد شده بهره‌برداری می‌کردند. مطابق گزارش هیأت کارشناسان رسمی، بخشی از این تعهدات می‌بایست در طول اجرای قرارداد به‌وقوع می‌پیوست لیکن شرکت آمادگی فنی لازم را داشته است؛ ۳- ... فعالیت شرکت ا.ه.ک در چارچوب مجوزهای شرکت خدماتی «ر» بوده و نیاز به مجوز جدیدی نداشته است؛ ۴- مطابق بند ۷-۴ قرارداد، شرکت «ر» باید هرگونه تغییرات اعمال شده در تعرفه محصولات و خدمات خود را به اطلاع شرکت ا.ه.ک برساند و طی الحاقیه‌ای مبالغ قرارداد تعدیل شود در حالی که در طول مدت اجرای قرارداد، علی‌رغم کاهش تعرفه‌ها مبالغ قرارداد تعدیل نشده است؛ ۵- عدم خرید سیم‌کارتها طبق زمان‌بندی و میزان جداول پیوست قرارداد به دلیل عدم انتقال مالکیت سیم‌کارت به نام مشتری نهایی و تعدیل نکردن تعرفه بسته‌های حجمی مدت‌دار توسط شرکت «ر» و همچنین ایجاد محدودیت از سوی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی برای شرکت «ر» بوده و از این جهت شرکت ا.ه.ک دارای تقصیر قراردادی نبوده است. ۶- شرکت ا.ه.ک به منظور عملیاتی کردن قرارداد و به امید کسب درآمد از محل اجرای قرارداد، اقدامات هزینه‌بر زیادی مانند اجاره ساختمان، نصب و راه‌اندازی اتاق سرور شامل تجهیزات پردازی و شبکه ارتباطی، نصب دکل آنتن و تجهیزات مخابراتی بر روی پشت‌بام ساختمان، خرید مودم‌های همراه 3G، راه‌اندازی وب‌سایت‌های اینترنتی، اجرای تبلیغات و بازاریابی و هزینه‌های پرسنلی انجام داده است که علاوه بر این که قطعاً این هزینه‌ها از باب تسبیب قابل جبران است از تجهیزات و امکانات بهره‌برداری لازم صورت نگرفته که منافع انتظاری هم برحسب متعارف امور در صورت اجرای قرارداد به دست می‌آمد و ممکن الحصول بوده و در راستای ماده ۱۴ ق.آ.د.ک به عنوان آخرین اراده قانون‌گذار قابل جبران شناخته شده، کسب نکرده است و این امر منتسب به تقصیر شرکت خدماتی «ر» است. در گزارش کارشناسی با استناد به بررسی‌های صورت گرفته مبلغ هزینه‌های انجام شده به صورت انباشته مبلغ ۳۰۴،۵۸۶،۵۳۹،۸۸۲ ریال اعلام شده است که بخش زیادی از آن مربوط به انعقاد قرارداد با اشخاص ثالث و شرکای تجاری شرکت ا.ه.ک بوده که از این مبلغ تنها ۰۴۷،۷۴۳،۵۲۱،۲۳ ریال آن در دفاتر مالی شرکت منعکس شده است بدیهی

است که خسارت تا این میزان محرز است اما نسبت به مابقی هزینه شده (۸۳۵،۷۹۶،۰۶۴،۲۸۱ ریال) موضوع مفتوح است و در صورت اثبات طلب توسط اشخاص ذی نفع قابل رسیدگی مجدد است.

اما در ارتباط با منافع انتظاری هم براساس سناریوی اول که مبتنی بر حصول منافع در فرض اجرای کامل قرارداد است حداکثر معادل ۸۳۴،۰۲۰،۶۳۱،۱۳۵ ریال محاسبه شده و براساس سناریوی دوم که منطبق با صورت‌های مالی و شاخص تورم سالیانه بانک مرکزی است توسط کارشناس معادل ۶۵۵،۹۹۹،۰۰۴،۵۴ ریال برآورد شده است. از آن جاکه در قرار کارشناسی از کارشناس درخواست شده تا منافع انتظاری را با فرض اجرای کامل قرارداد ارزیابی کند و صرف در نظر گرفتن صورت‌های مالی شرکت و اعمال شاخص تورم بانک مرکزی در خصوص آن (سناریوی دوم) که مبتنی بر وضعیت موجود و فرض اجرای ناقص قرارداد است، مدنظر هیأت داوران به عنوان معیار محاسبه خسارت نبوده است هیأت داوران سناریوی اول را به عنوان ملاک و معیار محاسبه منافع انتظاری برگزیده است. نظر مشهور حقوق دانان این است که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م که خسارت ناشی از عدم‌النفع را قابل مطالبه ندانسته است ناظر به عدم‌النفع احتمالی است و در جبران عدم‌النفع مسلم تردیدی وجود ندارد (ماده ۱۴ ق.ا.د.ک). البته منظور از مسلم بودن سیر متعارف امور است و مسلم بودن به مفهوم ریاضی آن مدنظر نیست. در این پرونده نیز به نظر هیأت داوران در صورت اجرای کامل قرارداد و انجام تعهدات از سوی شرکت «ر»، این منافع برای شرکت ا.ه.ک کسب می‌شد. مطابق ماده ۲۲۱ ق.م.لازم نیست جبران خسارت حتما در قالب وجه التزام در عقد تصریح شده باشد بلکه همین که عرف جبران خسارت را لازم بدانند یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد کافی است. در این که عرف عام و خاص، جبران خسارت شرکت ا.ه.ک را لازم می‌داند تردیدی نیست زیرا تجارت و اقتصاد در دنیای امروز مبتنی بر منافع و موقعیتهای اقتصادی است همان طور که گفته شد قانون نیز این‌گونه خسارات را به عنوان منافع ممکن‌الحصول قابل جبران شناخته است ضمن این که بخشی از خسارات وارده هزینه‌های انجام شده است و منافع ممکن‌الحصول نیست. باتوجه به دلایل و مقدمات تحلیلی و توجیهی فوق ضمن

صدور حکم مبنی بر بی‌حقی شرکت «ر»، آن شرکت محکوم به موارد زیر به نفع شرکت ا.ه.ا. ک می‌شود:

۱- پرداخت مبلغ ۲۳،۵۲۱،۷۴۳،۰۴۷ ریال به شرکت ا.ه.ا. ک بابت هزینه‌های انجام شده ... که براساس گزارش کارشناس حسابداری و حسابرسی در دفاتر مالی شرکت منعکس شده است اما نسبت به مابقی مبالغ هزینه‌شده که هنوز در دفاتر مالی شرکت منعکس نشده مفتوح است و در صورت اثبات طلب ... امکان رسیدگی مجدد در مرجع صالح وجود دارد و فعلا در این پرونده نسبت به مابقی مبالغ هزینه‌شده قرار رد دعوا صادر می‌شود.

۲- پرداخت مبلغ معادل ۱۳۵،۶۳۱،۸۳۴،۰۲۰ ریال به شرکت ا.ه.ا. ک بابت منافع مسلم و ممکن‌الحصولی که شرکت به دلیل تقصیر قراردادی و عقیم شدن قرارداد از آن محروم شده است؛

۳- استرداد کلیه تضمین‌های سپرده شده...».

در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۴ شرکت «ر» دادخواست بدوی خود را به‌خواسته صدور حکم به بطلان قرارداد منعقدہ میان طرفین به‌جهت عقیم بودن قرارداد به‌واسطه امر آمر قانونی (سازمان تنظیم مقررات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات)، همچنین، اعلام ابطال رأی داوری صادرشده علیه این شرکت و بدو توقف عملیاتی اجرایی و منع اجرای آن به استناد ماده ۴۹۳ ق.ا.د.م مطرح کرد با این استدلال که: «... داوران مبالغی را بابت هزینه‌های انجام‌شده و عدم‌النفع در نظر گرفتند که به‌شرح ذیل به‌صراحت خلاف قوانین موجود حق و حتی خواسته شرکت ا.ه.ا. ک بوده که در آن جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات را خواسته است. اولاً قانون‌گذار به‌صراحت در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.ا.د.م (بیان کرده) که خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست. ثانیاً این خسارت اصلاً و ابداً در قرارداد داوری مورد درخواست محکوم‌له نبوده است. ثالثاً در بهترین شرایط و اتمام قرارداد محکوم‌له می‌توانسته حدود ۷۰ میلیارد ریال از بابت قرارداد، درآمد (غیر از کسر هزینه‌ها و به‌صورت ناخالص) کسب کند که چگونگی محاسبه در جدول پیوست تقدیم حضور می‌شود. رابعاً داوران به نظر کارشناسی استناد داشته‌اند که حداقل و حداکثری در آن برای عدم‌النفع در نظر گرفته شده متأسفانه داوران خلاف فایده

(قاعده) عقلا قدرمتيقن را کنار گذاشته و حداکثر را مورد حکم قرار داده‌اند. خامسا در دعوی دیگری که در مرجع کیفری بوده نظریه کارشناسی قطعی وجود دارد که خسارت احتمالی شرکت را ۵۰ میلیارد ریال تخمین زده‌اند و داوری با نظر قطعی کارشناسی در تعارض سه برابری است». در برابر این دادخواست، شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب دادنامه شماره ۵۷۳۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ چنین تصمیم می‌گیرد:

«رای دادگاه بدوی»

«... درباره این که داوران عدم‌النفع را شناسایی کرده‌اند و رأی آنان برخلاف قانون موجود حق است، بر طبق (تبصره ذیل ماده ۵۱۵ ق.ا.د.م) عدم‌النفع قابل مطالبه نیست و این قاعده ماهوی (موجد حق) است و اگر نقض شود از اسباب بی‌اعتباری رأی داوری است اما عدم‌النفع در تعریف صحیحی ناظر است به منافع احتمالی و محتمل‌الحصول و اگر منفعتی حتمی الوصول یا با احتمال بسیار قابل حصول باشد در قابلیت جبران آن تردیدی نیست. بر طبق گزارش داوران از نظر کارشناسی، منافعی که به احتمال زیاد عاید شرکت ا.ه.ک می‌شده ۵۴،۰۰۴،۶۵۵،۹۹۰ ریال است و فرض خوش‌بینانه که صرفاً بر اعلام‌های یک‌طرفه شرکت ا.ه.ک مبتنی است مبلغ ۱۳۵،۶۳۱،۸۳۴،۰۲۰ ریال سود قطعی از دست‌رفته را نشان می‌دهد. داوران با این استدلال که باید اجرای کامل قرارداد را در نظر گرفت این مبلغ اخیر را مورد حکم قرار داده‌اند. در واقع ایشان با استدلال نادرست عدم‌النفع در همان مفهومی که مصداق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ است را قابل جبران دانسته‌اند، این که سود کاملی که ممکن بوده از اجرای قرارداد به متعهدله برسد را قابل جبران و خسارتی مسلم بدانیم نهایت‌گشاده دستی به نفع اوست. نکته مهم این است که در این پرونده داوران زبان ناشی از اتکای شرکت ا.ه.ک به قرارداد (تعهدات) شرکت «ر» را قابل جبران دانسته‌اند اما در انطباق حکم با موضوع به خطا رفته‌اند. با عنوان خسارت انتظاری حکم بر جبران ۱۳۵،۶۳۱،۸۳۴،۰۲۰ ریال منافع از دست‌رفته صادر کرده‌اند یعنی هم هزینه‌های ناشی از اتکا به قرارداد اجرا نشده را موضوع حکم قرار داده‌اند و هم فرض اجرای قرارداد و دریافت سود کامل شرکت ا.ه.ک را موضوع حکم قرار داده‌اند. شرکت «ر» در این میانه چه نصیبی می‌برد؟؟ معلوم نیست؛ هم برای عدم اجرا باید

خسارت بدهد و هم به پرداخت سود محتمل - به اجرای قرارداد - ملزم می‌شود.

در جمله این کیفیت و شیوه استدلال الزامات مقرر در ماده ق.آ.د.م را برآورده نمی‌سازد چراکه مقدمه‌ها به‌درستی نتیجه حکم را توجیه نمی‌کنند. بویژه با درنظر گرفتن ابهام موجود در قواعد حاکم بر مسؤولیت ناشی از نقض قرارداد و خست مقنن در تبیین موضوع و تقریر احکامی روشن، این نحوه مستندسازی حکم توسط داوران پذیرفتنی نیست. حکم آنان درین بخش با شرایط مقرر در ماده ۲۲۱ ق.م.مغایر است. چراکه هیچ قاعده عرفی و قانونی وجود ندارد که هزینه‌های ناشی از اتکا و اعتماد به قرارداد به همراه آن چه مقرر بوده از قرار و اجرای آن عاید متعهدله شود را (توأمان) قابل جبران بدانند، در قرارداد نیز بر این مورد توافق نشده. این بخش از تصمیم داوران با تبصره ذیل ماده ۵۱۵ هم مخالف است. زیرا مشاهده نظر کارشناسی، گزارش از تاریخ، نشان می‌دهد که اتفاقاً رقم ۸۳۴،۰۲۰،۶۳۱،۱۳۵ (ریال) منافع احتمالی مورد ادعای ا.ه.ا.ک بوده نه زیان مسلم قابل جبران. قاعده فوق هم در مقام رد قابلیت جبران عدم‌النتفع ناظر به این قسم منافع است، اساساً عدم‌النتفعی که قابل جبران نیست همین منافع ادعایی است که به اگر و اما و مگر وابسته‌اند... در نتیجه اولاً درباره آن بخش از حکم داوران که بر محکومیت شرکت «ر» به پرداخت خسارت عدم‌النتفع (باعنوان مبلغ ۸۳۴،۰۲۰،۶۳۱،۱۳۵ ریال سود قطعی از دست‌رفته) شکایت را می‌پذیرد و حکم بر اعلان بطلان صادر می‌کند. ثانیاً درباره دیگر بخشهای حکم، شکایات وارد نیست و حکم بر رد آن صادر می‌کند.»

در پی تجدیدنظرخواهی شرکت ا.ه.ا.ک از رأی صادرشده از دادگاه نخستین، شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دادنامه شماره ۱۴۹۰۸۳۹/۰۰۱۴۹۰۳۶۸۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ را در این خصوص بدین شرح صادر نموده است:

«رأی دادگاه تجدیدنظر»

«در خصوص تجدیدنظرخواهی مطروحه ... دادگاه اعتراض به عمل آمده را در محدود آن چه مورد تجدیدنظرخواهی واقع شده وارد دانسته و دادنامه تجدیدنظرخواسته را در قسمت مورد اعتراض شایسته تأیید نمی‌داند زیرا بر خلاف باورداشت دادگاه محترم بدوی منافع تقریرت (تقویت) شده شرکت تجدیدنظرخواه ممکن‌الحصول بوده و امکان به‌دست آوردن آنها حتمی بوده و این منافع تقویت شده متمایز از عدم‌النتفع می‌باشد و

قانون‌گذار مطالبه منافع ممکن‌الحصول را جایز دانسته لیکن عدم‌النفع را قابل مطالبه ندانسته در تمایز میان عدم‌النفع و منافع ممکن‌الحصول باید گفت در منافع ممکن‌الحصول مقتضی وصول آن موجود بوده لیکن در عدم‌النفع مقتضی به وجود آمدن وجود ندارد به عنوان مثال کارگری که در اثر توقیف غیرقانونی از حقوق و دستمزد روزانه خود محروم گردیده می‌تواند حقوق و دستمزد از دست‌رفته ایام بازداشت را مطالبه نماید چون مقتضی به وجود آمدن آنها وجود داشته و منافع محقق‌الحصول بوده‌اند لیکن همین کارگر اگر بگوید در صورت آزاد بودن در یک مزایده شرکت می‌نموده و سود سرشاری عایدش می‌شده این بخش عدم‌النفع می‌باشد چون ممکن بود اصلاً در مزایده برنده نشود و در نتیجه آن بخش از منافع تفریت (تفویت) شده که می‌تواند موضوع رأی هیئت داورى قرار گرفته، عدم‌النفع نبوده تا به واسطه آن رأی داورى با تبصره ۲ ماده ۵۱۵ از ق.آ.د.م تعارضی پیدا نماید و همچنین رأی صادره هیأت داورى **تعارضی با ماده ۲۲۱ ق.م نیز ندارد چراکه عرف چنین منافی را ممکن‌الوصول و قابل مطالبه می‌داند. بنابه مراتب، این بخش از رأی داورى که مورد پذیرش دادگاه محترم بدوی واقع نشده تعارضی با قوانین موجد حق نداشته و قابل انطباق با بندیک از ماده ۴۸۹ از ق.آ.د.م نمی‌باشد. بر همین مبنا ضمن پذیرش تجدیدنظرخواهی به عمل آمده مستنداً به ماده ۳۵۸ از قانون اشعاری دادنامه تجدیدنظر خواسته را صرفاً در محدوده تجدیدنظرخواهی به عمل آمده نقض و با اختیار حاصله از ماده ۱۹۷ از قانون پیش گفته حکم بر بطلان دعوی نخستین تجدیدنظر خوانده صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و قطعی است.»**

۲- تحلیل آراء صادرشده در پرونده:

در ابتدا ذکر دونگته پیرامون ساختار مطالب ارائه‌شده در این بخش کمک‌کننده خواهد بود. ۱- باتوجه به این که جزئیات تفصیلی پرونده و نظرات اخذشده از کارشناسان در رأی هیأت داوران تصریح شده و آراء محاکم بدوی و تجدیدنظر بسیار خلاصه و صرفاً پیرامون پذیرش یا عدم پذیرش تجدیدنظرخواهی است لذا مبنای تحلیلیها، رأی داوران خواهد بود اما به‌فراخور موضوع بحث اگر نکته‌ای از آراء بدوی یا تجدیدنظر در تقویت استدلالها وجود داشته یا قابل انتقاد باشد، ضمن مباحث، مورد اشاره قرار خواهد گرفت. ۲- باتوجه به این که در نظام حقوقی ایران - برخلاف دیگر نظامها- هنوز در مرحله اول یعنی قابلیت

جبران خسارت عدم‌النفع نیز تردیدهایی وجود دارد لذا تحلیل‌های این بخش به‌ترتیب، ذیل دو قسمت ارائه خواهد شد: ۱. قابلیت جبران ۲. شیوه محاسبه.

۱-۲ تحلیل آراء صادرشده از حیث قابلیت جبران خسارت عدم‌النفع:

از جمله نقاط قوت و شایسته‌ت‌ها تحسین رأی هیأت داوران در این پرونده، به‌رسمیت شناختن قابلیت جبران خسارت عدم‌النفع و توصیف صحیح ماهیت واقعی آن بدون خلط با مفاهیم دیگر از جمله تفویت منفعت است. امری که در دادنامه مرحله تجدیدنظر به‌درستی توصیف نشده و با مفهوم تفویت منفعت معرفی شده است. از زمان تصویب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م مبنی بر این‌که: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست...» و نیز ماده ۲۶۷ همان قانون که تصریح دارد: «ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست» همواره تلاش حقوق‌دانان بر این بوده تا با ارائه تفاسیری، غیرمنطقی بودن و عدم توجه به واقعیات اقتصادی و حقوقی پیرامون منع جبران خسارت عدم‌النفع را رفع یا تعدیل کنند. از جمله راهکارهایی که برخی از نویسندگان و نیز برخی از قضات برای رفع یا تعدیل چنین خلأی مطرح کرده‌اند یکسان دانستن مفهوم نفع و منفعت یا به‌تعبیر دیگر، عدم‌النفع و تفویت منفعت بوده تا با استفاده از امکان حقوقی جبران خسارت تفویت منفعت، بتوانند سود از دست‌رفته را هم - حداقل در برخی مصادیق - قابل جبران اعلام دارند. صرف‌نظر از این‌که اقدام به خلط این دو مفهوم، ناشی از اشتباه بوده یا راهی عمدی جهت قابل جبران اعلام کردن خسارت عدم‌النفع و عبور از موانع فقهی و قانونی آن، تشبیه این دو به‌یکدیگر درحالی‌که هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی واجد تفاوت‌های بسیاری هستند، صحیح به‌نظر نمی‌رسد و مشکلات متعددی را برای مراحل اثباتی و ارزیابی خسارت به‌همراه خواهد داشت. با توجه به این‌که بررسی تفصیلی تفاوت‌های این دو مفهوم در نظر و عمل، موضوع نوشتار مستقلی قرار گرفته است،^۱ در این جا صرفاً به بیان برخی از مهم‌ترین این تفاوت‌ها به‌صورت خلاصه اکتفا می‌شود: تفویت منفعت از جمله خسارات مادی محسوب می‌شود. منفعت قسمی از انواع مال است (ماده ۲۹ ق.م) که تردیدی در قابل جبران بودن تفویت آن نیست. همچنین، با توجه به قطعیت بالای حصول آن به‌تبع مال موجود با

۱. برای بررسی تفصیلی تفاوت‌های این دو در عمل و نظر و ملاحظه نمونه آراء قضایی که این خلط مفهومی در آن صورت پذیرفته رک: میرشکاری و عبدی، ۱۴۰۲: ۱۹۲-۲۱۷.

دشواریهای اثباتی نیز مواجه نیست و نوعی خسارت عام و مستقیم ناشی از عمل زیان‌بار محسوب می‌شود که نیازی به ارائه ادله برای اثبات میزان آن توسط زیان‌دیده نیست. به‌علاوه، در میان ضوابط ارزیابی خسارات عمدتاً نوعی هزینه محسوب می‌شود که با اتکا به قرارداد یا عمل خوانده از جیب خواهان رفته است. برای ارزیابی آن نیز غالباً از روشهای نوعی بویژه اجرت‌المثل استفاده می‌شود و از همین رو به‌راحتی تقویم می‌شود. این درحالی است که عدم‌النفع نوعی از خسارات اقتصادی و مالی محسوب می‌شود - نه مادی - و غالباً به‌عنوان جزئی از خسارات خاص یا غیرمستقیم طبقه‌بندی می‌شود؛ از همین رو برای مطالبه آن لازم است که حتماً زیان‌دیده در دادخواست خود، آن را صراحتاً مطالبه و میزان آن را با قطعیت معقول به اثبات برساند؛ بنابراین در مرحله اثباتی با دشواری بیشتری مواجه است و باید قطعیت بالاتری از وقوع آن به اثبات برسد تا مورد رأی قرار گیرد. به‌علاوه در میان ضوابط ارزیابی خسارات، عدم‌النفع جزء خسارات انتظاری است - نه اتکایی - و از روشهای نوعی ارزیابی زیان نمی‌توان به تنهایی و بدون تعدیل براساس شرایط خاص هر پرونده استفاده کرد. معمولاً با توجه به این که منفعت اموال و تجهیزات یکی از اقلام به‌کاررفته در تولید است، میزان عدم‌النفع (سود از دست‌رفته) بیشتر از اجرت‌المثل مجموع عوامل تولید است. به‌عنوان نمونه فرض کنید برای تولید یک محصول به عواملی همچون اجاره یک محل، اجاره اشخاص (پرسنل اداری و کارگران)، خرید یا اجاره برخی تجهیزات صنعتی، خدمات حمل و نقل در قالب اجاره وسایل نقلیه، استفاده از حاملهای انرژی، مواد اولیه و غیره نیاز است. در این فرض میزان قیمت‌های نهایی محصول برای عرضه به مصرف‌کننده نهایی بسیار بیشتر از مجموع اجرت‌المثل محل مورد اجاره، دستگاه‌های مورد اجاره، وسایل حمل و نقل، دستمزدها و غیره است. در واقع، علاوه بر همه این موارد قیمت نهایی با افزودن میزانی سود بر مجموع این هزینه‌ها که برخی از آنها در قالب پرداخت اجاره‌بها بوده، به دست می‌آید. در نتیجه به‌علت وجود این تفاوتها بهتر است از ایجاد ابهام مفهومی و مصداقی در مورد عدم‌النفع خودداری شود و به قابلیت جبران آن همان‌گونه که هست، رأی داده شود.

نکته دیگری که در راستای همین مطلب شایان توجه است و یکی دیگر از نقاط مثبت رأی هیأت داوران است توجه به عبارت «منافع ممکن‌الحصول» است که در ماده ۱۴ ق.آ.د.ک

تصریح شده و مستند قانونی قابلیت جبران خسارت عدم‌النفع در رأی داوران قرار گرفته است. پس از تصویب لایحه قانونی قسمتی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۳ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۳۵ (اصلاح ماده ۹ آن) و بعد از آن در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ (ماده ۹) و بعدتر، در قانون ۱۳۹۲ (ماده ۱۴) واژه جدیدی با عنوان «منافع ممکن‌الحصول» وارد ادبیات حقوقی شد. این که مفهوم دقیق این عبارت در نظام حقوقی ما چیست و آیا هم شامل تفویت منفعت و هم عدم‌النفع می‌شود یا خیر، تا مدت‌ها مورد بحث و تحلیل نویسندگان حقوقی قرار گرفت. در عین حال که برخی حقوق دانان این عبارت جدید را شامل هر دو مفهوم می‌دانند، (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۰۱-۱۰۵) برخی دیگر از نویسندگان بر این عقیده هستند که نظری اجمالی به متون فقهی و حقوقی و قوانین مربوط نشان می‌دهد که برای جلوگیری از اشتباه میان تفویت منفعت و عدم‌النفع، از محرومیت شخص در اولی با عنوان «منفعت» و در دومی با عنوان «نفع» یاد شده است؛ بنابراین منافع ممکن‌الحصول مورد اشاره در ق.آ.د.ک مترادف با عدم‌النفع نیست و ناظر به تفویت منفعت است. به همین جهت هم از آن با عنوان منافع که جمع منفعت است یاد شده اما تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م ناظر به نفع است. (فصیحی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۲ و ۲۶۳) همین تفکیک در رأی دادگاه تجدیدنظر نیز قابل مشاهده است و بنابر تصریح دادگاه تجدیدنظر «منافع تفویت‌شده شرکت تجدیدنظر خواه ممکن‌الحصول بوده و متمایز از عدم‌النفع است...»، این در حالی است که اولاً به لحاظ سابقه تقنینی، در قوانین مختلفی از جمله ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۰۴/۰۱ که در قسمت انتهایی تصریح شده: «... خسارات شامل ضررهای واردشده و منافی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است»، ماده ۷۲۸ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۱۸ که مقرر کرده بود: «ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است» و در ماده ۱۳۳ ل.ق.ا.ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ که در آن آمده است: «... منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت» عبارت منافع یا تفویت منفعت در مفهوم نفع یا سود به کار رفته‌اند. علاوه بر این قوانین، باید از قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳/۳/۱ مجلس شورای اسلامی یاد کرد. در ماده ۷۲ این قانون، در مبحث نقض حق اختراع و ضمانت اجرای آن تصریح شده: «در صورت اثبات نقض حق اختراع،

مرتکب به تقاضای هریک از ذی نفعان باید تمام خساراتی که در نتیجه این نقض وارد شده است، از قبیل منافع ممکن‌الحصولی را که صدق اتلاف می‌کند را جبران کند.» اگرچه پس از ایراد شورای نگهبان،^۱ عبارت کنونی که مطابق با آن چه در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ است، ذکر شده اما با توجه به این که موضوع این قانون، حمایت از مالکیت صنعتی است و در برخی مصادیقش دارایی غیرملموس - همچون فرایند- را هم شامل می‌شود،^۲ در این گونه موارد در صورت نقض حق اختراع طبیعتاً، منظور از منافع ممکن‌الحصولی که صدق اتلاف نماید همان سودهای ازدست‌رفته ناشی از فروش این گونه محصولات است؛ بنابراین نمی‌توان منافع ممکن‌الحصول را دقیقاً معادل تفویت منفعت اموال به‌لحاظ سنتی و در مفهوم دقیق آن - تفسیر کرد. به‌علاوه، در مقرراتی که ذکر شد (و بویژه ماده ۱۴ قانون آ.د.ک. ۱۳۹۲) در ردیف خسارتهای قابل مطالبه، خسارات مادی ذکر شده که طبیعتاً شامل تفویت عین و منفعت می‌شده و می‌شود و برای همین، برای جبران نیازی به تصریح مجدد به آن در قالب عبارت جدید در تبصره‌ها نداشت.

نکته قابل توجه دیگری که در رأی هیأت داوران مورد استناد قرار گرفته، توجه به ماده ۲۲۱ ق.م. و عرف تجاری و اقتصادی کنونی در خصوص قابل جبران بودن خسارت عدم‌النفع است هرچند که دادگاه بدوی، آن را مورد انتقاد و انکار قرار داده و برخی از نویسندگان نیز چنین تفسیری (توسل به عرف برای جبران عدم‌النفع) را مصلحت‌جویانه معرفی کرده‌اند که در تنافی با اراده حقیقی قانون‌گذار در سال ۱۳۰۷ است (امینی و پیری، ۱۴۰۰: ۱۴۱) و برخی دیگر از استادان نیز معتقدند میان ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. و ماده ۲۲۱ ق.م. تعارض وجود دارد و چون ماده ۵۱۵ حکم مطلق موخر است و ماده ۲۲۱ ق.م. حکم مقید مقدمی است که مورد مطلق یکی از مصادیق قید آن است، اصلاً ماده ۲۲۱ را باید منسوخ دانست

۱. این ماده در نسخه اولیه پیشنهادی بدین صورت مطرح شده بود که: «در صورت اثبات نقض حق اختراع، مرتکب به تقاضای هریک از ذی نفعان باید تمام خساراتی که در نتیجه این نقض وارد شده است، از قبیل منافع ممکن‌الحصول نظیر کاهش میزان فروش را جبران نماید.» اما پس از ایراد شورای نگهبان در نامه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ مبنی بر اینکه «این ماده از این جهت که در منافع ممکن‌الحصول منظور مواردی است که صدق اتلاف می‌کند یا خیر ابهام دارد»، در نهایت به صورت ماده ۷۲ مذکور درآمد.

۲. ماده ۱: «اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که راه‌حل عملی جدیدی را برای حل مشکل فنی مشخص در زمینه صنعت ارائه می‌نماید. اختراع ممکن است به صورت فرآورده یا فرایند باشد.»

(شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۵) اما همان‌گونه که ذکر شد، امروزه یکی از کارکردهای مهم نظام جبران خسارات حمایت از سود در اقتصاد است که جوهره و انگیزه اصلی هرفعالیت اقتصادی محسوب می‌شود. اگرچه پس از تصویب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م و ماده ۲۶۷ آن که صراحتاً جبران خسارت عدم‌النفع را منع کرده، استناد به وجود چنین عرفی قابل تأمل بود زیرا نمی‌توان فرض کرد عرفی خلاف قوانینی که حاوی منع صریح در یک نظام حقوقی است، شکل گیرد بویژه که مخالفت‌های قوی فقهی هم در مورد جبران آن وجود داشته اما امروزه و پس از تصویب قوانین جدیدتری که مورد اشاره قرارگرفت، با تفاسیری قابلیت جبران خسارات عدم‌النفعی که از درجه بسیار بالایی از قطعیت برخوردار باشد به‌نحوی که بتوان ادعا کرد گویی مال موجودی تلف شده، هم به‌لحاظ قانونی و هم در برخی آراء قضائی پذیرفته شده لذا به‌نظر می‌رسد استناد به وجود چنین عرفی دیگر با مانعی مواجه نیست و برعکس، برای اجرای اصل جبران کامل خسارات و تحقق یکی از وظایف مهم نظام جبران خسارات و یکسان‌سازی قواعد بویژه برای ورود به‌عرصه تجارت‌های بین‌المللی، ضروری شده است.

در پایان نکات این بخش، یکی از موارد قابل انتقاد به رأی هیأت داوران و همین‌طور دادنامه‌های بدوی و تجدیدنظر استفاده از تقسیم‌بندی بسیار رایج عدم‌النفع، به عدم‌النفع احتمالی و محقق/مسلم است. اگرچه این تقسیم مورد استفاده اکثریت (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۳) حقوق دانان و قضات برای توجیه تفاوت میان تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م و ماده ۱۴ ق.آ.د.ک است اما تقسیم عدم‌النفع به این دو قسم برخلاف ظاهر ماده ۵۱۵ است که به‌طورمطلق عدم‌النفع را غیرقابل جبران دانسته است و ضمناً مسلم بودن خسارت از شرایط عمومی کلیه خسارات قابل جبران است و نه صرفاً عدم‌النفع در نتیجه هیچ خسارت احتمالی قابل جبران نیست و لازم نبوده که قانون‌گذار این امر بدیهی را مطرح سازد. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد بهتر باشد به‌جای چنین تفسیری، تفاوت دو مقرر را این‌گونه توجیه کرد که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ به عدم‌النفعی که در اکثر نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی به‌عنوان یک خسارت قابل جبران شناخته شده، اشاره دارد و دربردارنده قطعیت معقول است به‌جای قطعیت مطلق و صددرصد ریاضی- اما آنچه تحت عنوان منافع

ممکن‌الوصولی که صدق اتلاف کند در مواد ۱۴ ق.آ.د.ک و ۷۲ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مقرر شده، عدم‌النفعی است که از درجه قطعیت بالاتری نسبت به دیگر نظام‌های حقوقی (نظام‌هایی که عدم‌النفع را قابل جبران اعلام کرده‌اند) برخوردار باشد تا حدی که بتوان ادعا کرد آن چه ازدست‌رفته، در حکم مال موجود بوده و صرفاً وجود قطعیت معقول عرفی یا احتمال تحقق براساس سیر متعارف امور برای اثبات وقوع آن در نظام حقوقی ایران کفایت نمی‌کند. به همین جهت هم، دادگاه بدوی از عباراتی همچون «خست مقنن» در قواعد این حوزه و «پرهیز از گشاده‌دستی» یاد کرده‌است.

۲-۲ تحلیل آراء صادرشده از حیث شیوه محاسبه خسارت عدم‌النفع:

دشووارتر از قابل جبران شناختن خسارت عدم‌النفع، نحوه ارزیابی و محاسبه آن است. این دشواری و پیچیدگی ناشی از سه ویژگی مهم این خسارت یعنی غیرقطعی بودن، خاص یا غیرمستقیم بودن و شخصی بودن آن است^۱ که سبب شده درعین حال که اکثر محاکم داخلی کشورها و دیوانهای داوری بین‌المللی^۲ اصل قابلیت جبران آن را می‌پذیرند، در مرحله پذیرش و ارزیابی ادله و نحوه محاسبه میزان خسارت، سخت‌گیری و دقت فراوان به‌خرج دهند و جزئیات مربوط به نحوه محاسبه و عوامل مدنظر را برای اثبات دقت و معقولیت رأی خود و پرهیز از جبران مضاعف زیان در متن رأی تصریح کنند. با درنظرگرفتن این ویژگیها، روشهای مختلفی برای محاسبه خسارت عدم‌النفع رایج شد از جمله: روش خط پایه (مبنا)، مقایسه قبل و بعد از وقوع زیان، مقایسه با کسب و کارهای مشابه، روش سهم بازاری، ارزیابی خسارت براساس محتوا و شروط قرارداد، تفاوت میان قیمت بازاری (واقعی) و قراردادی، معیار هزینه‌های متحمل شده، هزینه‌های مورد انتظار، مدل قیمت‌گذاری داراییهای سرمایه‌ای، روش تنزیل جریان‌های نقدی، نرخ سرمایه‌گذاری، استفاده از مدل‌های رگرسیون، تغییر ضابطه ارزیابی از خسارات مبتنی بر ضرر به خسارات مبتنی بر نفع (نفع‌محور)، توجه به برخی شاخصها از جمله اسناد مالیاتی و بیمه‌ای و برخی

^۱ برای بررسی تفصیلی پیرامون این سه ویژگی خسارت عدم‌النفع ر.ک: (میرشکاری و عبدی، ۱۴۰۴)

^۲ . برای مشاهده برخی از این سخت‌گیریها در آراء دیوانهای داوری بین‌المللی ر.ک: (مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۱۴۰۳: ۲۴-۶۸)

موارد دیگر^۱ این روشها براساس عوامل مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند از جمله روشهای گذشته‌نگر، آینده‌نگر یا ترکیبی از این دو (Fortin, 2022) سودمحور و زیان‌محور، قدیمی و جدید، آماری و غیرآماري. (عبدی، ۱۴۰۱: ۱۶۵)

یکی از این تقسیم‌بندیها، تقسیم براساس ضابطه انتظارات قراردادی (انتظاری یا متوقع) و اتکا یا اعتماد به قرارداد است. در خسارات انتظاری، هدف، قراردادن زیان‌دیده در وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد در آن موقعیت قرار می‌گرفت.^۲ برخلاف این ضابطه که به آینده نظر دارد، خسارات اتکایی ضابطه‌ای است که به گذشته نظر دارد و هدفش قراردادن زیان‌دیده در وضعیتی است که گویی قراردادی منعقد نشده است. در واقع گاهی در موارد نقض قرارداد، اثبات، ارزیابی و تعیین دقیق ارزش اجرای تعهد (انتظارات) برای خواهان غیرممکن یا حداقل بسیار دشوار است. در چنین شرایطی، محاکم اجازه جبران هزینه‌های تلف‌شده^۳ خواهان (به اضافه هر هزینه‌ای را که مرتبط با نقض^۴ بوده است) می‌دهند. حکم به جبران خسارت برای هزینه‌های تلف‌شده اغلب به‌عنوان «خسارات اتکایی یا ناشی از اتکاء/اعتماد»^۵ شناخته می‌شود که گاهی با برخی عناوین دیگر نیز از جمله هزینه‌های غرق‌شده^۶ یا از جیب‌رفته^۷ مورد بررسی نویسندگان قرار گرفته است. (Collins, 2009: 200) موضوعی که در کامن‌لا در خصوص این ضوابط بسیار بحث‌برانگیز شد این بود که آیا خواهان می‌تواند هم‌زمان، هم هزینه‌های تلف‌شده

^۱ . برای بررسی تفصیلی هرکدام از این روشها و مزایا و معایب آنها ر.ک: (عبدی، ۱۴۰۱: ۱۶۴ به بعد) و برای مطالعه موضوع در رویه قضایی ایران، ر.ک.به: میرشکاری، حسینی، صمدی، ۱۴۰۲: ۱-۴۰)

^۲ . این خسارت، علاوه بر انتظار اصلی از قرارداد دو خسارت دیگر را هم دربرمی‌گیرد: خسارات جانبی یا جنبی Incidental damages (هزینه‌های دیگری که در نتیجه نقض -نه اجرای تعهد- بر زیان‌دیده تحمیل شده همچون هزینه کارشناسی یا حمل و نقل برای استرداد کالا) و خسارات باواسطه یا تبعی. Consequential damages. که ناشی از تعهداتی است که زیان‌دیده در برابر اشخاص ثالث بر عهده گرفته است.

^۳ . Wasted expenditure.

^۴ . Breach-related cost caused by the breach.

^۵ . Reliance damages.

^۶ . Sunk cost.

^۷ . Wasted cost.

^۸ . Out-of-pocket expenses.

(خسارات انتكایی) و هم منافع ازدست‌رفته/عدم‌النفع (خسارات انتظاری) را مطالبه کند؟ این پرسش در یکی از نخستین پرونده‌های معروف در این زمینه به صراحت مطرح شد و لرد دنینگ^۱ به آن پاسخ منفی داد. او در رأی خود در این خصوص تصریح کرد که: «خواهانی که به دنبال جبران خسارت برای نقض قرارداد است، یک انتخاب دارد. او می‌تواند هرکدام از عدم‌النفع یا هزینه‌های تلف‌شده (متحمله) را مطالبه کند اما باید بین آن‌ها انتخاب کند و نمی‌تواند هر دو را مطالبه کند.»^۲ او برای تأیید و حمایت از این دیدگاه قضائی‌اش به پرونده معروف دیگری^۳ با عنوان پرونده “Cullinane v. Rema” استناد کرد. در این پرونده لرد اورشده^۴ تصریح کرده که: «خریدار ماشینی که با ظرفیت تضمین‌شده کار نمی‌کند، می‌تواند به جای سود از دست‌رفته، هزینه متحمل‌شده به میزان کمتر از ارزش باقی‌مانده را مطالبه نماید. [پس از کسر ارزش باقی‌مانده از مجموع هزینه‌های انجام شده] در نتیجه خود را در موقعیتی قرار دهد که هرگز قرارداد منعقد نشده بود.»^۵

بنابراین، براساس رویه غالب در کامن‌لا تا مدت‌ها رأی محاکم و حتی دیوانهای داوری مبتنی بر این ایده بود که از میان دو معیار ارزیابی یعنی انتظار و اتکا، صرفاً یکی قابل استفاده و اعمال است. اصل اولیه که جبران کامل‌تری به‌همراه دارد استفاده از ضابطه خسارات

^۱. Lord Denning.

^۲. Anglia Television Ltd v. Reed [1972] 1 QB 60 (CA) 63-4.

^۳. Cullinane v. British “Rema” Manufacturing Co Ltd [1954] 1 QB292 (CA).

^۴. Lord Evershed.

^۵. البته برخی معتقدند این رأی را می‌توان به‌گونه دیگری تفسیر کرد بدین معنا که در آن گفته‌نشده هدف رأی همین نکته است درحقیقت منظور قاضی اثر رأی بوده و نه این که موضوع رأی پرداخت هزینه‌ها و بازگرداندن خواهان به وضعیت پیش از قرارداد باشد زیرا همین قاضی قبلاً متذکر شده که معیار اولیه خسارت در نقض تضمین کیفیت طبق ماده (۳) ۵۳ قانون بیع کالا مصوب ۱۸۹۳ انگلستان (The Sale of Goods Act 1893) تفاوت میان ارزش تضمین‌شده Warranted value و ارزش واقعی Actual value است. بنابراین ممکن است قصد او این بوده که دو معیار جایگزین برای محاسبه خسارات انتظاری را با همدیگر مقایسه کند یعنی کاهش در ارزش (تفاوت ارزش تضمین‌شده و واقعی) و عدم‌النفع نه این که بین عدم‌النفع و هزینه‌های تلف‌شده انتخاب کند. در نظر او ارزش قراردادی با ارزش تضمین‌شده یکی است. به عبارت بهتر احتمال دارد منظور قاضی در این پرونده انتخاب میان «ازدست دادن ارزش سرمایه» یا «ازدست دادن سود» باشد نه انتخاب میان «هزینه‌های متحمله» یا «ازدست دادن سود».

Loss of capital value or loss of profit not wasted expenditure or loss of profit.
Mc Lauchlan, David, op.cit, p: 105.

انتظاری است اما هر جا و به هر دلیلی اعمال این ضابطه امکان‌پذیر نبود، محاکم ضابطه خسارات اتکایی را به کار می‌بردند. بنابراین اگر ضابطه خسارات انتظاری انتخاب می‌شد و به سود حاصل از قرارداد رأی داده می‌شد هزینه‌هایی که زیان‌دیده در مسیر عمل و احترام به عقد متحمل شده قابل جبران نبود، زیرا اعتقاد بسیاری از نویسندگان برجسته این حوزه در ابتدا بر این بود که در اکثر موارد، صدور رأی به هزینه‌های تلف‌شده و عدم‌النفع با هم، منتهی به جبران مضاعف خسارت می‌شود (Sabahi, Duggal Birch, 2018: 325, 344) که دیوانهای داوری ممکن است مرتکب این اشتباه محاسباتی که برخی آن را به عنوان «اشتباه اساسی»^۱ می‌نامند، شوند زیرا خطر جبران مضاعف همیشه به‌طور مناسب در نظر گرفته نمی‌شود. (Marboe, 2017: 105) این عقیده در آراء داوری نیز مورد توجه بوده از جمله در رأی شرکت نفتی سفایر علیه شرکت ملی نفت ایران^۲ تصریح شده: «بدون تردید، خواهان حق داشته که به دریافت هزینه‌های انعقاد قرارداد از سود مورد انتظارش امید داشته باشد اما این عنصری است که در جبران خسارت عدم‌النفع گنجانده شده است. اضافه کردن خسارات مثبت و منفی باهم دیگر یک تناقض است و نمی‌توان آن را مجاز دانست.»

در توجیه چرایی این امر نیز غالباً به همان استدلالی که دادگاه بدوی پرونده مورد تحلیل قید کرده، اشاره می‌شود یعنی نمی‌توان هم‌زمان هم هزینه‌های اجرا را مورد رأی قرار داد و زیان‌دیده را در موقعیتی پیش از انعقاد گذاشت (روی کرد گذشته‌نگر) و هم به سود حاصل از اجرای کامل قرارداد رأی داد و او را در موقعیت پس از اجرا قرار داد (روی کرد آینده‌نگر) زیرا هدف از این ضوابط حمایت از موقعیتی است که زیان‌دیده در قرارداد تحصیل کرده است. نباید فراموش کرد که تعهدات و هزینه‌هایی که زیان‌دیده برای انعقاد قرارداد یا عمل به آن متحمل می‌شود به‌نوبه‌خود موقعیت مالی مشروعی است که متعهد (زیان‌زننده) از قرارداد به‌دست آورده است که این موقعیت نیز می‌بایست مورد حمایت حقوق قرارگیرد. منافع و موقعیتی که زیان‌دیده در قرارداد به‌دست می‌آورد در مقابل تعهداتی است که او به عهده گرفته و هزینه‌هایی است که متحمل شده است. (رنجبر، ۱۳۹۵: ۲۸) زیان‌دیده‌ای که می‌خواهد از موقعیت مورد انتظار از اجرای قرارداد بهره‌مند شود، باید زیانهای ناشی از

^۱. Fundamental error.

^۲. ICSID, Sapphire International Petroleum Limited v. National Iranian Oil Company, ICSID Case No. 138/42 Award (15 March 1963), para. 189.

این موقعیت را نیز بپذیرد. (من له الغنم فعلیه الغرم) او باید بپذیرد که قرارگیری اش در موقعیت متعهدله، مستلزم این است که هزینه‌های ناشی از قرارگیری در این موقعیت را نیز در درون دارایی خویش تحمل کند و آن را به سوی متعهد برون سپاری نکند. مضافاً این که تا زمانی که زیان دیده هزینه‌های لازم برای اجرای تعهدات خود و قرارداد را پرداخت نمی‌کرد اصلاً سودی به دست نمی‌آمد تا از آن بهره‌مند شود؛ بنابراین پرداخت این هزینه‌ها لازمه و پیش شرط تحقق سود برای او است که حتی اگر نقضی هم رخ نمی‌داد باید پرداخت می‌کرد. این استدلال توسط برخی از نویسندگان اینگونه مطرح شده برای این که یک طرف مستحق خسارت اعتماد (هزینه‌های پرداختی) باشد (علاوه بر خسارات انتظاری) باید اثبات کند در نتیجه اعتماد به قرارداد متحمل هزینه خاصی شده است در واقع زیان باید در اثر نقض وارد شده باشد؛ بنابراین زیان‌هایی که در صورت عدم نقض نیز وارد می‌شدند قابل مطالبه نیست. (نعمت‌اللهی، ۱۴۰۳: ۵۹ و ۸۴) براساس این استدلال در نمونه‌هایی مانند موضوع پرونده پیش‌رو که هزینه‌های پرداخت شده هزینه‌های خاصی نبودند و در صورت عدم نقض هم، زیان دیده باید آنها را پرداخت می‌کرد تا سودی به دست آرد، هزینه‌ها نباید قابل مطالبه مستقل باشند. به لحاظ اقتصادی نیز اقتصاددانان فرمول محاسبه سود یک بنگاه را برابر با درآمد کل منهای هزینه‌های کل معرفی می‌کنند. (درآمد کل - هزینه کل = سود) (گریگوری، ۱۳۹۳: ۳۰۲) یعنی به لحاظ اقتصادی نیز پس از کسر هزینه‌ها از درآمد کل آنچه باقی می‌ماند همان سودی است که مورد انتظار بوده است.

این گونه استدلالها تا مدت‌ها در عرصه حقوق خسارات مطرح می‌شد و همان گونه که مورد اشاره قرار گرفت، هنوز هم برخی از نویسندگان حقوقی و قضات (از جمله قاضی مرحله بدوی این پرونده) به آن معتقدند اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که اگرچه زیان دیده در ابتدا باید هزینه‌هایی پرداخت کند تا بتواند از سود مورد انتظار بهره‌مند شود اما اگر نقض تعهدی رخ نمی‌داد این هزینه‌ها را در قالب هزینه‌های تولید از مشتری نهایی دریافت می‌کرد. به عنوان نمونه، اگر شرکت ا.ه.ک در پرونده مورد تحلیل، ۲ واحد هزینه برای تولید صرف کند و ۲ واحد سود هم برای فروش هر واحد کالا (در اینجا سیم کارت و بسته حجمی اینترنت) برای خود لحاظ کند با فروش هر واحد محصول، در واقع ۴ واحد پول از مصرف‌کننده نهایی دریافت می‌کند؛ بنابراین، هزینه‌های مصروفه برای تولید را هم،

علاوه بر سود مورد نظر خود از مشتری دریافت می‌کرد. در نتیجه این مطلب تصریح شده در پرونده‌های مورد اشاره در فوق (Anglia و Cullinane) که نمی‌توان هم هزینه‌های متحمله و هم عدم‌النفع را هم‌زمان مطالبه کرد - که البته هنوز هم در بسیاری از محاکم انگلستان به‌عنوان یک قاعده بدیهی مورد استفاده قرار می‌گیرد - در صورتی می‌تواند صحیح باشد که منظور از سود، «سود ناخالص» باشد و نه «سود خالص». (Mc Lauchlan, 2019: 105) اگر سود یا درآمد به صورت ناخالص مورد مطالبه خواهان و مورد محاسبه محکمه واقع شود، حکم دادن به هزینه‌های متحمله افزون بر سود، منتهی به جبران مضاعف یا بیشتر از زیان^۱ می‌شود اما اگر آن چه مورد مطالبه و محاسبه قرار می‌گیرد سود خالص باشد، عدم صدور حکم به جبران هزینه‌های متحمله منتهی به جبران ناکافی یا کمتر از زیان^۲ می‌شود. (Cassels, Adjin-Tetty, 2014: 50-52)

با توجه به همین نکته، در غالب آراء صادرشده در پرونده‌های با موضوع عدم‌النفع همواره سودخالص محاسبه می‌شود و بعد، هزینه‌ها در صورت دارا بودن برخی شرایط، به آن اضافه می‌شود. (Kantor, 2008: 69-70) (Mc Lauchlan, 2019: 105) بر این اساس، جای این پرسش است که چرا از آغاز به سود ناخالص رای داده نمی‌شود؟

علت چنین انتخابی از سوی قضات و داوران این است که در بخش هزینه‌ها شرایط بسیاری وجود دارد که اگر با دقت مورد بررسی قرار نگیرند می‌توانند منتهی به جبران مضاعف خسارت شود. به‌عنوان نمونه ممکن است به دلایلی هنوز هزینه‌ها یا بخشی از آنها پرداخت نشده باشد یا اصلاً اشخاص ثالث دعوایی برای مطالبه خساراتشان علیه زیان‌دیده طرح نکنند یا در نهایت صلح کنند یا هزینه‌های انجام‌شده، قابل تقلیل بوده یا کاربری انحصاری برای یک قرارداد خاص نداشته باشد و زیان‌دیده از آنها در موارد دیگری هم استفاده کند یا بتواند استفاده کند مثلاً بخشی از هزینه‌ها در گروه هزینه‌های ثابت یک بنگاه باشد و نه هزینه‌های متغیر.^۳ همچنین، یکی از مواردی که صدور رأی جداگانه به پرداخت هزینه‌های

^۱. Double recovery.

^۲. Under-compensation.

^۳. هزینه‌های ثابت هزینه‌هایی است که هیچ ارتباطی با مقدار محصول تولیدشده ندارند مانند اجاره محل یا حقوق و دستمزد پرسنل و منظور از هزینه‌های متغیر هزینه‌هایی است که با مقدار محصول تولیدشده در ارتباطند. (گریگوری، ۱۳۹۳: ۳۱۰).

انجام شده منتهی به جبران مضاعف می شود در قراردادهایی است که خواهان تعهد می کند تأسیسات یا تجهیزات ساخته شده را پس از مدتی به مالکیت دولت میزبان درآورد. به عنوان نمونه می توان از دو رأی داوری در این حوزه یاد کرد: در پرونده اول^۱ آن چه اشتباه اساسی توصیف شده رخ داد زیرا این اختلاف مربوط به نقض ادعایی قرارداد امتیاز تولید برق در اندونزی بود. خواهان (KBC) در موقعیت فروش و تحویل برق بر مبنای شرط «دریافت یا پرداخت» (Take-or-pay) بود. در این پرونده دیوان به خواهان مبلغ ۵۱۲.۵ میلیون دلار برای هزینه هایش و ۱۵۰ میلیون دلار بابت عدم النفع رأی داد. مشکل محاسبه مضاعف در این پرونده ناشی از صدور رأی همزمان به هزینه ها و عدم النفع بود در حالی که بر اساس بندی در قرارداد می باید همه دارایی های پروژه پس از ۳۰ سال (در پایان قرارداد) به خواننده منتقل شود، بنابراین صدور همزمان به عدم النفع و هزینه هایی که در پایان مدت متعلق به خواننده می شد و خواهان در صورت عدم نقض هم صرفا باید از سود حاصل از فروش و تحویل برق استفاده می کرد، به جبران مضاعف خسارت خواهان منتهی شده بود یا در نمونه دیگر^۲ اختلافی در خصوص نقض قرارداد امتیاز ۵۰ ساله توسط دولت گواتمالا مطرح شد که به موجب این قرارداد قرار بود شرکت خواهان یک ریل خصوصی بسازد. در این شرایط خواهان با توجه به بلندمدت بودن قرارداد، هم عدم النفع و هم قیمت عادلانه سرمایه گذاری انجام شده خود را مطالبه کرد در نتیجه دولت گواتمالا نیز این قرارداد را مضر به حال خود اعلام کرد. دیوان داوری با توجه به فرضی بودن سود مدنظر خواهان، محاسبه خود را صرفا بر مبنای رقم کل سرمایه گذاری انجام شده مبتنی کرد. بنابراین برای جلوگیری از جبران مضاعف به دو مورد (عدم النفع و قیمت عادلانه سرمایه گذاریهای انجام شده) همزمان رأی نداد. (Marboe, 2017: 107, 109) در نتیجه در پرونده های سرمایه گذاری، برای اجتناب از جبران مضاعف معمولا به هر دو مورد رأی داده نمی شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، سود ناخالص صرفا در موارد بسیار محدود و نادر اعمال می شود آن هم در صورتی که یقین حاصل شود تمام این هزینه ها در عالم واقع خرج شده، معقول و قابل پیش بینی یا مورد توافق بوده و صرفا برای اجرای این قرارداد خاص هزینه شده و

^۱. Karaha Bodas Co v. Perusahaan Pertambangan Minyak dan Gas Bumi Negara 364 F.3d 247 (5th Cir. 2004).

^۲. Railroad Development v. Guatemala, ICSID Case No. ARB/07/23 (2007)

استفاده دیگری از مواد و تجهیزات نشده است، همچنین با بررسی شرایط پرونده، صدور رأی به پرداخت هزینه‌ها منتهی به جبران مضاعف نمی‌شود. بنابراین مهم است که در مرحله محاسبه خسارت توجه شود چه نوع سودی محاسبه شده است.

اینک، برای درک رویکرد نظام حقوقی ایران، مناسب است که با مثالی، بحث را ادامه دهیم: فرض کنید الف با ب قراردادی بسته که به موجب آن، قرار شده الف فرمول تولید یک محصول را در اختیار ب قرار دهد. قرار بوده ب از این فرمول تنها برای تولید سی عدد از محصول مذکور استفاده کند. الف پس از انعقاد قرارداد، آن را یک طرفه فسخ می‌کند بدون آن که حقی برای این کار داشته باشد. ب مجموعاً به ۳۰ واحد هزینه برای اجرای قرارداد نیاز داشته (۱۰ واحد دستمزد نیروی کار + ۱۰ واحد خرید مواد اولیه + ۱۰ واحد سایر هزینه‌ها) که برای هزینه‌های تولید محصول صرف شود. فرض کنیم در صورت تولید و فروش محصول به مصرف‌کننده نهایی نیز، ب می‌توانسته هر کدام از محصولات تولیدی را به قیمت پنجاه واحد به مصرف‌کننده نهایی بفروشد. بنابراین، سود ناخالص ب، ۵۰ واحد و سود خالص او، ۲۰ واحد است. با توجه به نقض قرارداد از سوی الف، ب می‌تواند چه میزان خسارات از او مطالبه کند؟ آیا می‌تواند مبلغ سود ناخالصی را که می‌توانست در صورت عدم فسخ قرارداد از مصرف‌کنندگان دریافت کند از الف دریافت کند یا آن که تنها محق به دریافت سود خالص است؟ اگر می‌تواند سود ناخالص را مطالبه کند، ماهیت آن چیست؟ آیا تحت عنوان عدم‌النتفع مطالبه می‌شود یا براساس هزینه‌های صرف‌شده قابل مطالبه است؟ اگر ب بلافاصله پس از نقض قرارداد از سوی الف، قرارداد خویش با کارگران را فسخ می‌کرد (یا می‌توانست فسخ کند یعنی امکان تقلیل زیان یا بخششهایی از آن برای او وجود داشته باشد) یا از مواد اولیه در جهت تولید محصول دیگری استفاده می‌کرد یا آن که عملاً، به دلیل عدم تولید، هزینه‌ای جهت تولید پرداخت نکرده باشد باز هم می‌تواند سود ناخالص را از الف مطالبه کند؟

ممکن است در مورد این که او می‌توانسته ۲۰ واحد سود خالص خود را (خسارت انتظاری) در صورت اثبات، مطالبه کند تردید شود. این تردید، از این جا آغاز می‌شود که ۲۰ واحد سود یاد شده (خسارت انتظاری)، مصداق عدم‌النتفع است و در نظام حقوقی ایران، در امکان

مطالبه این خسارت، تردید وجود دارد.^۱ به علاوه، به عنوان نمونه قانون‌گذار در مصداق نقض تعهد از سوی مزارع، ضابطه خسارت انتظاری را پذیرفته است. براساس ماده ۵۳۵ ق.م.ا.ج. «اگر عامل زراعت نکند و مدت منقضی شود مزارع مستحق اجرت‌المثل است».^۲ در این ماده، قانون‌گذار در برابر نقض تعهد از سوی مزارع، به جای آن‌که به آینده توجه داشته و سود مالک را ملاک قرار دهد، به گذشته توجه کرده و هزینه تلف شده از جیب مالک را معیار قرار داده است.

درباره تردید نخست و شیوه‌های پاسخ به آن، در قسمت اول بخش تحلیل آراء همین مقاله، سخن گفته شد. بنابراین، در این بخش، به تردید دوم پرداخته می‌شود: درست است که ماده پیش‌گفته به معیار خسارت انتظاری بی‌توجه است اما به موجب ماده ۵۳۶ از همان قانون، «هرگاه عامل به طور متعارف مواظبت در زراعت نکند و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد عامل ضامن تفاوت خواهد بود». با دقت در این ماده و مقایسه آن با ماده ۵۳۵ مشخص می‌شود که قانون‌گذار در بحث ضابطه ارزیابی خسارت از دو ضابطه متفاوت استفاده کرده است: درحالی‌که در هر دو ماده، عامل، ناقض قرارداد بوده است (صرف‌نظر از میزان تقصیرش)، در یکی (ماده ۵۳۵) قانون‌گذار ضابطه خسارات اتکائی (اجرت‌المثل) را برای برخورد با نقض تعهد قراردادی و جبران خسارات وارده برگزیده و در دیگری (ماده ۵۳۶) ضابطه خسارات انتظاری (تفاوت با میزان محصول مورد انتظار) انتخاب شده است.^۳ برای همین و با توجه به ماده ۵۳۶، نباید موضع نظام حقوقی

۱. «ولو ترک الزراعة، حتی انقضت المدة، لزمه أجره المثل»، (محقق حلی، ۱۴۰۹ ه.ق: ۳۹۳) همچنین، در فرض ترک مزارعه از سوی عامل گفته شده: «لا تضرر علی المالك فی شیء و إنما هو عدم وصول النفع إليه، كما إذا حبس أحد حرا فحرمه و منعه عن عمله و لا یقولون فیہ بالضمن»، (سبزواری، بی‌تا: ۸۸)

همانند همین فتواها، در فرض ترک تجارت از سوی عامل نیز دیده می‌شود: «إذا أخذ العامل مال المضاربة و ترک التجارة به إلی سنة مثلاً، فإن تلف ضمن، و لا یستحق المالك علیه غیر أصل المال، و إن کان آنماً فی تعطیل مال الغیر»، (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ ه.ق: ۵۷۸)

۲. «أما عدم ضمانه الربح، لعدم كونه موجوداً، فلا ینصدق التلف و الإلتاف فلا ضمان علیه، غایبة الأمر أنه آثم؛ حیث قد حبس المال بغیر إذن مالکة»، (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۹ ش: ۴۱۲)

۳. حقیقت این است که اگر ضابطه خسارات انتظاری پذیرفته نشده، نباید ماده ۵۳۶ از این ضابطه ارزیابی استفاده می‌کرد و اگر پذیرفته شده، نباید در ماده ۵۳۵ این ضابطه کنار گذاشته می‌شد و ضابطه دیگری انتخاب می‌شد. شاید برای توجیه تفاوت این مواد، این‌گونه ادعا شود که در ماده ۵۳۶ عامل، اگرچه نه به صورت متعارف، اما زراعت

ایران را منحصر بر اساس ماده ۵۳۵ تحلیل کرد، بلکه در تعارض دو ماده یاد شده، باید دید که کدام‌یک از دو ماده، قاعده بوده و کدام‌یک، استثنا؟ در مقام پاسخ به این پرسش، باید به یاد آورد که قانون‌گذار در فرض مذکور در ماده ۵۳۵، قرارداد معتبر (و اگرچه منقضی شده) را به کنار گذاشته و بر مبنای مسؤولیت مدنی قهری و برپایه قواعد اتلاف و تسبیب، حکم به مسؤولیت عامل زیان به اجرت‌المثل داده است. نادیده انگاشتن قرارداد و تعیین مسؤولیت عامل زیان بر پایه ضمان قهری نمی‌تواند توجیه قابل قبولی داشته باشد. با توجه به همین نقد است که به نظر می‌رسد ماده ۵۳۵ را باید ماده‌ای استثنایی دید و آن را به صورت مضیق تفسیر کرد. در مقابل، ماده ۵۳۶ که به انتظار متعارف طرفین قرارداد توجه داشته و بی‌جهت، مسؤولیت مدنی قهری را جایگزین مسؤولیت مدنی قراردادی نساخته، حکمی مطابق قاعده شمرده می‌شود. در ادامه همین تحلیل است که در تفسیر ماده ۵۳۵ نباید از قلمروی واژه‌های آن فراتر رفت: این ماده، ویژه حالتی است که عامل، هیچ‌گونه زراعتی نکرده و مدت منقضی شده است، در این فرض است که می‌باید او را به پرداخت اجرت‌المثل محکوم کرد اما در فرضی که هنوز مدت منقضی نشده یا عامل، اگرچه در قسمتی، زراعت کرده، موضوع را باید مشمول قاعده یعنی ماده ۵۳۶ دانست، بدین ترتیب، علی‌القاعده، در نظام حقوقی ایران، ضابطه اصلی برای جبران خسارت، ضابطه انتظار خواهد بود و نه اتکا. بنابراین، باید به متعهدله اجازه داد تا زیان ناشی از محروم بودن خود از منافع مسلم را از متعهد متخلف بگیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۳۱) با این حال، باید به یاد داشت که همانند آنچه در کامن‌لا گفته شد، متعهدله صرفاً در صورتی می‌تواند سود ناخالص و به عبارت دیگر هزینه‌هایی را هم که انجام داده از الف دریافت کند که منتهی به جبران مضاعف خسارت نشود؛ بنابراین اگر لوازم و تجهیزات تولید نزد او مصرف‌نشده باقی مانده یا او از آنها در تولید محصولات دیگری استفاده کرده یا اصلاً هنوز متحمل پرداخت هزینه‌ای نشده باشد، نمی‌تواند چنین هزینه‌هایی را از الف مطالبه کند. همچنین اگر

را آغاز کرده، برای همین، درجه قطعیت حصول انتظار یعنی حاصل و ثمره، بیشتر بوده و اتلاف محصول بر آن صدق می‌کند در حالی که در فرض ماده ۵۳۵، اگرچه مدت مزارعه منقضی شده اما هنوز عامل زراعت را آغاز نکرده، در نتیجه، حتی مقتضی ایجاد محصول هم ایجاد نشده و چون امکان بکارگیری ضابطه خسارات انتظاری نبوده به ناچار قانون‌گذار به سراغ ضابطه خسارات اتکائی رفته است.

امکان تقلیل زیان و جلوگیری از افزایش هزینه‌ها پس از آگاهی از نقض قرارداد برای ب وجود داشته، نمی‌تواند این هزینه‌ها را مطالبه کند.^۱ به علاوه، اگر سودی در این میان از به کارگیری تمام یا برخی از عوامل تولید کسب کرده باشد از میزان خسارت نهایی اش کسر خواهد شد.^۲ در خصوص ماهیت این نوع هزینه‌ها نیز ماهیت آنها هزینه است نه سود (اگرچه به شیوه سودناخالص محاسبه شده باشد) بنابراین علاوه بر سود خالص و تحت عنوان هزینه‌هایی که با اتکا به قرارداد متحمل شده، آن هم در صورت وجود شرایطی که مطرح شد، قابل مطالبه است.

در پرونده مورد بحث در بخش محاسبه میزان خسارت تردیدهایی وجود دارد که ناشی از عدم تصریح جزئیات در رأی است: ۱- اولاً همان‌طورکه محکوم‌علیه در دادخواست تجدیدنظرخواهی خود قید کرده، خواهان (زیان‌دیده) صراحتاً به مطالبه خسارت عدم‌النفع در دادخواست خود اشاره‌ای نداشته درحالی‌که آن‌طورکه ذکر شد خسارت عدم‌النفع غالباً در گروه خسارات غیرمستقیم یا خاص قرار می‌گیرد و بنابراین تصریح به مطالبه آن در دادخواست به‌همراه ارائه دلیل برای اثبات میزان آن ضروری است؛ البته به این ایراد محکوم‌علیه می‌توان این‌گونه پاسخ داد که در مدارک و محاسباتی که براساس

^۱ . در فرض ترک مزارعه از سوی عامل، یکی از باورها، تفکیک میان علم و عدم علم مزارع از نقض قرارداد توسط عامل است: اگر مالک از ترک زراعت با خبر شود و قرارداد را فسخ نکند (تقلیل زیان نکند) سزاوار جبران زیان نیست اما اگر از نقض قرارداد آگاهی نیافته باشد، می‌تواند مطالبه خسارت کند: «أو الفرق بین ما إذا اطلع المالك علی ترکه للزرع فلم یفسخ المعاملة لتدارک استیفاء منفعة أرضه فلا یضمن، و بین صورة عدم اطلاعہ إلی ان فات وقت الزرع فیضمن...» (خوبی و بروجردی، (۱۴ ه.ق): ۲۵۶).

^۲ . مصداقی از این مورد را می‌توان در این مسأله فقها یافت که اگر شخصی دیگری را اجیر برای دوختن لباسی کند اما از دادن پارچه به او جهت دوخت خودداری کند تا مدت اجاره منقضی شود براساس نظر برخی فقها موجر ضامن پرداخت اجرت به اجیر است و فرقی نمی‌کند که در این مدت اجیر به کار دیگری برای خود یا دیگری اشتغال داشته باشد یا بیکار باشد (سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۵، ص ۴۰) اما براساس نظر برخی از فقهای معاصر، اگر اجیر در این فرض به کار دیگری برای خود یا دیگری اشتغال داشته باشد استحقاق او به دریافت تمام اجرت المثل اشکال دارد به‌ویژه اگر قرارداد اجاره طولانی مدت باشد که انگار از دید عرف جمع میان عوض و معوض صورت گرفته است هر چند از نظر عقلی دقیق نباشد. «... إذا اشتغل الأجير بشغل آخر لنفسه أو لغيره، أشکل استحقاقه لتمام الاجرة، لا سیما إذا كان مدّة الإجارة طویلة، فإنّه عرفاً من قبیل الجمع بین العوض و المعوض و إن لم یکن منه بالدقة العقلیة» (مکارم شیرازی، (۱۴۲۸ ه.ق): ۴۹۰) بدین ترتیب، از خسارت قابل مطالبه، باید سودی که اجیر از محل اشتغال خویش بدست آورده، کاسته شود.

مدارک ارائه شده توسط خواهان ضمیمه شده، در واقع مطالبه این خسارت صورت گرفته هر چند در ستون خواسته‌ها صراحتاً درج نشده است. ۲- اگر چه در این پرونده با توجه به تقصیر و سوء نیت خواننده (در عدم اخذ مجوزهای لازم و جذب مشتریان شرکت ا.ه.ک برای خود) و بالابودن قطعیت حصول عدم‌النفع، صدور رأی به جبران آن بسیار جالب توجه و شایسته تحسین است اما شیوه محاسبه آن به دو صورت حداقل و اکثر توسط کارشناسان مورد انتقاد است. همان‌طور که خواننده متعرض این نکته شده و دادگاه بدوی هم به درستی تصریح کرده است عدم‌النفع از جمله خساراتی نیست که باگشاده دستی و به‌صورت اقل و اکثر آن هم براساس احتمالات و برآوردهای یکطرفه زبان‌دیده محاسبه شود (خود کارشناسانی که نظریه‌شان مبنای صدور رأی برای داوران قرار گرفته در نظر خود به امکان انحراف احتمال نسبت به واقعیت... اعتراف کرده‌اند) بنابراین حتی اگر میزان محاسبه خسارت هم به درستی انجام شده باشد، نوع نگارش این ارزیابی و محاسبه در نظرهای هیأت کارشناسان بسیار مبهم و قابل تفسیر و در نتیجه مورد انتقاد است و استناد صرف به آن توسط هیأت داوران، بدون اخطار جهت تصحیح و شفاف‌سازی جزئیات مورد محاسبه و ادله و اطلاعاتی که مبنای محاسبه قرار گرفته است، بویژه با توجه به محدودیتها و سخت‌گیریهای نظام حقوقی ایران قابل انتقاد به نظر می‌رسد. مخصوصاً که میزان اکثر مورد انتخاب داوران (سناریوی اول) با نظرات کارشناسی قبلی موجود در پرونده (پرونده کیفری) هم مطابقت نداشته و اختلاف رقم فاحشی بین نظر کارشناسان وجود دارد. به نظر می‌رسد باتوجه به این که موضوع این قرارداد تعداد ۱۰۰ هزار سیمکارت بوده و بنابر آنچه داوران در رأی خود تصریح کرده‌اند مبنی بر این که: «در عمل مشتریان مربوط از خدمات اینترنتی ایجاد شده بهره‌برداری می‌کردند...» کل این تعداد سیم‌کارت فروخته شده، بنابراین نام و مشخصات و تعداد مشتریان و قیمت پرداختی یا قیمتی که باید می‌پرداختند نیز مشخص بوده است؛ در نتیجه این چیزی فراتر از قطعیت معقول عرفی برای فروش سیم‌کارتها بوده و در واقع همه آنها فروخته شده حتی مشتریان از بسته‌های اینترنتی نیز در حال استفاده بودند. در نتیجه، این میزان براساس اطلاعات و مدارک به‌راحتی قابل اثبات و دارای قطعیت بسیار بالایی بوده که بتوان صدق اتلاف بر آن کرد و همین‌طور براساس اطلاعات ارائه شده به‌راحتی قابل محاسبه بوده است. حتی اگر تعداد مشتریان

۱۰۰ هزارتا نبوده باشد هر تعداد فروشی که قطعی بوده می‌توانسته مورد محاسبه قرارگیرد. در نتیجه نیازی به تعیین حداقل و حداکثر نبوده و سود خالص براساس تعداد ثبت نام‌ها به صورت قطعی قابل محاسبه بوده است. از طرف دیگر در این گونه قراردادها برخلاف سناریوی دوم، کارشناسان ارزیاب و حتی داوران نباید هزینه‌ها (صورت‌های مالی) را براساس شاخص تورم به روزرسانی کنند. ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م یک مقرر استثنائی آن هم در شرایط خاصی است که باید آن شرایط احراز شود. بنابراین تعدیل براساس شاخص تورم توسط کارشناس یا داوران از اساس صحیح به نظر نمی‌رسد. (محسنی و میرشکاری، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۳۹) بفرض هم امکان تعدیل به صورت قاعده عام در نظام حقوقی ایران وجود می‌داشت (که چنین امکانی وجود ندارد)، می‌بایست در هر دو عوضین (هم هزینه‌ها هم نرخ سود) اعمال می‌شد که طبیعتاً محاسبه را بسیار دشوار و پیچیده می‌کرد؛ بنابراین در شرایط کنونی اگر قصد به روزرسانی براساس شاخص تورم اعلامی بانک مرکزی مطرح بود باید ابتدا براساس هزینه‌های همان زمان و با توجه به قیمت تعیینی و ثبت‌نامی همان زمان ابتدا کل سود خالص محاسبه می‌شد و میزان خسارات به صورت قطعی توسط دادگاه تجدیدنظر تأیید می‌شد سپس تا زمان اجرای رأی این مبلغ تعیینی نهایی براساس شاخصهای اعلامی به روزرسانی می‌شد. ۳- از جمله نقاط مثبت رأی داوران در بخش ارزیابی خسارت استفاده از روش مرسوم محاسبه سودخالص به اضافه هزینه‌های دارای شرایط پرداخت است و نه صدور حکم به سود ناخالص اما در بخش هزینه‌ها به دلیل عدم تصریح جزئیات تردیدهای بسیاری وجود دارد که رأی را قابل انتقاد کرده است زیرا اولاً براساس ادبیات بکاررفته در نظر کارشناس مبلغ حدود ۳۰ میلیارد تومان هزینه توسط خواهان **انجام شده** نه این که قسمتی پرداخت شده و قسمتی مورد تعهد است یا باید درآینده پرداخت شود. داوران نیز در رأی خود با عبارت مشابهی ذکر کردند که خواهان **اقدامات هزینه بر زیادی..... انجام داده است.** اگر واقعاً براساس اسناد پرداختی (از جمله تراکنشهای بانکی) این هزینه‌ها توسط خواهان پرداخت شده باشد، نمی‌بایست صرفاً به دلیل عدم انعکاس در دفاتر مالی (که تازه انعکاس آن هم در اختیار خود خواهان است) بخش عمده‌ای از آنها مورد حکم قرار نگیرد و به امکان رسیدگی مجدد درآینده با تحمیل هزینه‌های مجدد ارجاع داده شود زیرا تحمیل هزینه‌های اضافی به سیستم

قضائی درحالی که امکان تعیین تکلیف قطعی وجود داشته، ناپسند است و اگر این بخشها هنوز پرداخت نشده نمی‌باید در قالب هزینه‌های انجام‌شده (به‌صورت فعلی) به‌نگارش دربیاید و همان‌گونه که اشاره شد صرفاً هزینه‌هایی قابل پرداخت هستند که درعالم واقع خرج شده‌باشند. ثانیاً همان‌طور که اشاره شد، برخی از اقلام این هزینه‌هایی که داوران از آنها نام برده‌اند از جمله اجاره محل، دستمزد پرسنل و غیره در قالب هزینه‌های ثابت فعالیت شرکت جای می‌گیرد و باید هزینه‌های ثابت از متغیر تفکیک می‌شد و حتماً ذکر می‌شد که آیا شرکت ا.ه.ک از این محل مورد اجاره و از این تعداد پرسنل خاص صرفاً برای یک قرارداد دوساله باشکرت «ر» استفاده کرده یا شرکت ا.ه.ک پس از نقض همچنان برقرار است و در این محل و با این کادر پرسنل، در زمینه‌های دیگری مشغول به فعالیت است. همین‌طور نسبت به تجهیزات خریداری شده با توجه به این که اصل آنها در ید خواهان باقی است باید تکلیف ارزش این تجهیزات و استفاده‌های احتمالی از آنها در پروژه‌های دیگر مشخص می‌شد و صرفاً اگر زیان دیده هیچ بهره دیگری نمی‌برد و اموال باقی‌مانده هیچ ارزشی مثلاً برای فروش و... نمی‌داشت به‌طورکامل در بخش هزینه‌های قرارداد مورد محاسبه واقع می‌شد. بنابراین مشخص نیست این حدود بیش از ۲ میلیارد تومان هزینه مورد حکم، کدام هزینه‌هاست و آیا از نظر احتمال جبران مضاعف خسارت، مورد بررسی و محاسبه کارشناسان و داوران قرار گرفته‌اند یا خیر.

نتیجه‌گیری

در میان ضوابط سه‌گانه ارزیابی خسارات قراردادی (خسارات انتظاری، اتکایی و اعاده‌ای)، عدم‌النفع همواره جزء خسارات انتظاری محسوب می‌شود اما یکی از چالش‌هایی که در مرحله ارزیابی این خسارت در حقوق کامن‌لا مطرح شده و موضوع پرونده‌های بسیاری قرارگرفته پاسخ به این سوال است که آیا امکان استفاده همزمان از دو ضابطه خسارات انتظاری و اتکایی برای ارزیابی خسارات وارده وجود دارد یا خیر. به عبارت دیگر آیا می‌توان در عین حال که به سود مورد انتظار رأی داده می‌شود به هزینه‌هایی هم که با اتکاء به قرارداد توسط زیان‌دیده پرداخت شده رأی داده شود؟ پاسخ ابتدائی به این پرسش منفی بود و براساس نظر نویسندگان برجسته این حوزه زیان‌دیده باید میان این دو ضابطه لزوماً یکی را انتخاب می‌کرد اما در نتیجه تحولات بعدی، این امر به لحاظ اقتصادی و حقوقی اثبات شد که در صورتی اعمال همزمان این دو ضابطه منتهی به جبران مضاعف خسارت می‌شود که سود مورد محاسبه سودناخالص باشد اما اگر سود، خالص بوده باشد برخی از هزینه‌ها با شرایطی خاص به صورت جداگانه می‌تواند مورد رأی قرار می‌گیرد تا اصل جبران کامل خسارات محقق شود. مهم‌ترین ملاک برای چنین اقدامی عدم تحقق جبران مضاعف خسارات است. برای رعایت چنین اصلی می‌باید به برخی عوامل توجه کرد از جمله به نوع هزینه‌ها (ثابت یا متغیر بودن) و ارزش تجهیزات و اموال هزینه‌شده پس از نقض قرارداد و امکان استفاده از آنها در موارد دیگر. برای این که توجه به این نکات قابل‌سنجش باشد، لازم است جزئیات این هزینه‌ها، داده‌های مورد محاسبه و روش محاسبه، صراحتاً در آراء صادرشده - نه صرفاً در نظر کارشناسان - به صورت خلاصه تصریح گردد تا هم امکان دفاع برای خواننده یا وکلای او در مرحله ارزیابی خسارت وجود داشته باشد و هم برای هر خواننده آراء صادرشده این اقناع ایجاد شود که در رأی صادره، رعایت دقت و معقولیت و پرهیز از مداخله احتمالات و فرضیات صورت پذیرفته است و میزان خسارت ارزیابی شده بیش از زیان واقعی نبوده است. رأی مورد تحلیل در این نوشتار از جمله معدود آراء صادره در این حوزه است که به صراحت به جبران خسارت عدم‌النفع و امکان صدور رأی براساس هر دو ضابطه خسارات انتظاری و اتکائی در صورت محاسبه سود خالص، توجه داشته است، هر چند که به دلیل برخی ابهامات ناشی از عدم تصریح جزئیات مدنظر در مرحله محاسبه، قابل تفسیر و انتقاد است.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ربیعی، احمد، تاتاری، امین، (۱۴۰۱)، قانون مدنی عراق، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول
۲. رنجبر، مسعود رضا، (۱۳۹۵)، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ سوم.
۳. شیروی، عبدالحسین، (۱۴۰۰)، قانون مدنی چین، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول.
۴. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۳)، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
۵. صفایی، حسین. رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۹۵). مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات سمت، چاپ نهم.
۶. صفایی، حسین. رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۹۹). مسؤولیت مدنی تطبیقی، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ دوم.
۷. عبدی، مونا. (۱۴۰۱). خسارات غیرقطعی در نظام‌های حقوقی ایالات متحده آمریکا و ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). الزامات خارج از قرارداد (مسؤولیت مدنی)، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
۹. مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری. (۱۴۰۳). عدم‌النفع و شروط سه‌گانه مرتبط با تحقق آن باتأکید بر آراء دیوان دآوری ایران-ایالات متحده آمریکا، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول.
۱۰. منکیو، گریگوری. (۱۳۹۳). نظریه اقتصاد خرد، ترجمه: حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
۱۱. نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۴۰۳). درآمدی به بررسی تطبیقی خسارت‌های ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا حقوق نوشته و حقوق ایران، پژوهشکده حقوقی شهردانش، چاپ اول.
۱۲. نوری، محمدعلی. (۱۳۹۲). قانون مدنی مصر، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
۱۳. اصغری آقمشهدی، فخرالدین. (۱۳۸۱). خسارت عدم‌النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰، مجله نامه مفید، شماره ۲۹.

۱۴. امینی، منصور. پیری، جواد. (۱۴۰۰). ضابطه ارزیابی خسارات ناشی از نقض تعهد قراردادی در نظامهای حقوقی و اسناد بین‌المللی رهنمودهایی برای حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
۱۵. حسینی مدرس، مهدی. گلشنی، عصمت. (۱۳۹۲). طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهد قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران، دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره ۲.
۱۶. سعادت مصطفوی، مصطفی. هوشمند فیروزآبادی، حسین. (۱۳۸۹). عدم‌النفع، مجله حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۷. جنیدی، لعیا. راضی، سپیده. (۱۴۰۳). کارکرد حقوق تطبیقی در حقوق خصوصی با مطالعه موردی وجه التزام. تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی. دوره ۷، شماره ۲۳. doi: 10.22034/law.2024.2028057.1332
۱۸. عابدیان، میرحسین. عبدی، مونا. (۱۳۹۹). تحلیل حقوقی-اقتصادی قابلیت پذیرش خسارات مبتنی بر نفع عایدی ناقض قرارداد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸۹.
۱۹. فصیحی‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۰). تفویت منفعت و مبانی ضمان‌آوری آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳.
۲۰. محسنی، حسن. میرشکاری، عباس. (۱۳۹۵). مطالبه زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۱.
۲۱. میرشکاری، عباس. حسینی، فاطمه سادات. صمدی، افروز. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی روش ارزیابی عدم‌النفع با تأکید بر رویه قضائی ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۴.
۲۲. میرشکاری، عباس. عبدی، مونا. (۱۴۰۲). تمایز تفویت‌منفعت و عدم‌النفع با تأکید بر نقد و تحلیل دادنامه‌های شعبه ۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران و شعبه ۸۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضائی، دوره ۲، شماره ۳. doi: 10.22034/analysis.2023.2005306.1015
۲۳. میرشکاری، عباس. عبدی، مونا. (۱۴۰۴). نقد و تحلیل نحوه ارزیابی خسارت عدم‌النفع در پرونده لغو امتیاز نمایندگی ایران خودرو، دوفصلنامه رویه قضائی، سال اول، دوره ۱، شماره ۱.
۲۴. نقوی، امیرحسین. طالب احمدی، حبیب. (۱۳۹۸). مسؤولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد، دانش حقوق مدنی، سال هشتم، شماره ۲، پیاپی ۱۶.

منابع عربی

۱. خویی، سید ابوالقاسم. بروجردی، شیخ مرتضی. (۱۴۰۵ق). المستند فی شرح العروه الوثقی، جلد ۳۱، مؤسسه احیاء آثار الامام خویی.
۲. سبزواری، عبدالعلی. (بی تا). مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، ج: ۲۰، قم: دارالتفسیر.
۳. فاضل لنکرانی، شیخ محمد. (۱۴۲۲ه.ق). التعليقات علی العروه الوثقی، ج ۲، قم: مرکز فقهی الائمه الطهار
۴. محقق حلی. (۱۴۰۹ه.ق). شرائع الاسلام، جلد: ۲، تهران: نشر استقلال.
۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ه.ق). عروه الوثقی با تعلیقات نویسنده، جلد ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۳۷۹ ش). فقه المضاربه، قم: موسسه النشر لجامعة المفید رحمة الله.

منابع انگلیسی

1. Cassels, Jamie & Adjin-Tetty, Elizabeth, (2014), Remedies: The Law of Damages, 3rd ed, Irwin Law.
2. Kantor, Mark, (2008), Valuation for Arbitration: Compensation Standard Valuation Method and Expert Evidence, Kluwer Law International.
3. Marboe, Irmgard, (2017), Calculation of Compensation and Damages in International Investment Law, 2 ed, Oxford University Press.
4. Sabahi, Borzu, Duggal, Kabir, Birch, Nicolas, (2018), Principles Limiting the Amount of Compensation, in Christina L. Beharry (ed) Contemporary and Emerging Issues on the Law of Damages and Valuation in International Investment Arbitration, Lieden, Boston.

5. Collins, David, (2009), Reliance Remedies at the International Center for the Settlement of Investment Dispute, Northwestern journal of International Law & Business, vol : 29.
6. Fortin, Juliette, (2022), Comparison of Damages Assessment Methods : Comparison methods to Evaluate the Present Value of Losses Forward-looking vs Backward-looking, Reliance vs Expectation, Paris Arbitration Week, Available at ://www.legiscompare.fr/web/IMG/pdf/2022-03-31_juliette_fortin_presentation_-_comparison_of_damage_assessment_methods.pdf.
7. Mc Lauchlan, David, (2019), The Limitations on Reliance Damages for Breach of Contract, Victoria University of Wellington Legal Research, vol : 9, Issue. 31.
8. Anglia Television Ltd v. Reed [1972] 1 QB 60 (CA) 63-4.
9. Cullinane v. British "Rema" Manufacturing Co ltd [1954] 1 QB292 (CA).
10. ICSID, Sapphire International Petroleum Limited v. National Iranian Oil Company, ICSID Case No. 138/42 Award (15 March 1963).
11. Karaha Bodas Co v. Perusahaan Pertambangan Minyak dan Gas Bumi Negara 364 F.3d 247 (5th Cir. 2004).
12. Railroad Development v. Guatemala, ICSID Case No. ARB/07/23 (2007).

References:

1. Abdi, Mona, (2022), Uncertain Damages in Iran and U.s legal Systems, 1st ed, Tehran, Sahami Entesharco. (in Persian)
2. Abedian Kalkhoran, Mir Hossein & Abdi, Mona, (2020), Legal-Economic Analysis of the Acceptability of Gain-based Damages, Legal Research Quaterly, Vol:23, no. 89, pp:399-419. (in Persian)
3. Amini, Mansour & piri, Javad, (2021), Criterion for Assessment of Damages Caused by Breach of Contractual Obligation in Legal Systems and International Documents; Guidelines for Iranian Law United Kingdom, Germany, European Principles, Unidroit Principles and CISG, The Judiciary Law Journal, vol : 85, no. 114, pp : 135-158. (in Persian)
4. Asghari Aghmashhadi, Fakhroddin, (2002), Loss of Profit in Iranian Law and 1980 International Sale of Goods Convention, Journal of Comparative Law, Issue.2, Serial Number . 29, pp : 77-94. (in Persian)
5. Cassels, Jamie & Adjin-Tetty, Elizabeth, (2014), Remedies : The Law of Damages, 3rd ed, Irwin Law .
6. Center for International Legal Affairs of the Presidency (CILA), (2024), Loss of Profit and triple Conditions related to its Realization, 1st ed, Tehran, Judiciary Press and Publications Center. (in Persian)
7. Collins, David, (2009), Reliance Remedies at the International Center for the Settlement of Investment Dispute, Northwestern journal of International Law & Business, vol : 29.
8. Fasihzadeh, Alireza, (2012), The Destruction of Profit and Its Bases Consequent Liability, Private Law Studies Quaterly, Vol : 41, no. 3, pp : 259-277. (in Persian)
9. Fazel Lankarani, Shekh Mohammad, (1422 Lunar Year), Al Talighat Ala Orvatol Vosgha, Vol : 2, Qom : Al-Imam Al-Tahar Jurisprudential Center. (in Arabic)
10. Fortin, Juliette, (2022), Comparison of Damages Assessment Methods : Comparison methods to Evaluate the Present Value of Losses Forward-looking vs

- Backward-looking, Reliance vs Expectation, Paris Arbitration Week, Available at://www.legiscompare.fr/web/IMG/pdf/2022-03-31_juliette_fortin_presentation_-_comparison_of_damage_assessment_methods.pdf.
11. Gregory, Mankiw, (2014), The Principles of Microeconomic Theory, Translated by Hamidreza Arbab, 4th ed, Ney pub. (in Persian)
 12. Hosseini Moddares, Mehdi & Golshani, Esmat, (2013), Damages as a Remedy for Breach of Contractual Obligations in the Law of United Kingdom and Considering the Issue in the Law of Iran, The Civil Law Knowledge, vol:2, no.2, pp: 27-39. (in Persian)
 13. Joneydi, Laya 7 Razi, Sepideh, (2024), The Function of Comparative Law in Private Law through a Case Study of Liquidated damages, Journal of Research and development in Comparative Law, Vol: 7. No. 23, pp: 62-90. doi: [10.22034/law.2024.2028057.1332](https://doi.org/10.22034/law.2024.2028057.1332) (in Persian).
 14. Kantor, Mark, (2008), Valuation for Arbitration: Compensation Standard Valuation Method and Expert Evidence, Kluwer Law International.
 15. Katouzian, Naser, (2008), Non-contractual Obligations (Civil Liability), vol: 1, 8th ed, Tehran, Tehran University press. (in Persian)
 16. Khoei, seyed Abolghasem & Boroujerdi, Sheikh Morteza, (14 Lunar Year), Al-Mostanad Fi Sharhe Orvatol-vosgha, Vol: 31, Institute for the Revival of the Works of Imam khoei. (in Arabic)
 17. Makarem Shirazi, Naser, (1428 Lunar Year), Orvatol Vosgha, Vol: 2, Qom: mam Ali ibn Abi Talib (AS) School, 1st ed. (in Arabic)
 18. Marboe, Irmgard, (2017), Calculation of Compensation and Damages in International Investment Law, 2 ed, Oxford University Press. (in English)
 19. Mc Lauchlan, David, (2019), The Limitations on Reliance Damages for Breach of Contract, Victoria University of Wellington Legal Research, vol: 9, Issue. 31.

20. Mirshekari, Abbas & Abdi, Mona, (2023), Distinction between Loss of Profit and Destruction of benefit: With an Emphasis on Critique and Analysis of the Judgments Rendered by Branch 20 of the Tehran General Civil Court and Branch 80 of the Appellate Court of Tehran Province, Analysis of Judicial Decisions Journal, Vol: 2, no. 2, pp: 192- 217. [doi: 10.22034/law.2024.2028057.1332](https://doi.org/10.22034/law.2024.2028057.1332) (in Persian)
21. Mirshekari, Abbas & Abdi, Mona, (2025), The Critique and analysis of Judgement No. 140203390004388094 Regarding the Assessment of Lost Profit Damages in the Case of Revocation of the Iran Khodro Representation License, Journal of Jurisprudence, Vol: 1, no. 1. (in Persian)
22. Mirshekari, Abbas & Hosseini, Fatemeh Sadat & Samadi, Afrouz, (2023), The Comparative Study of Expected Benefit with Focus on Iranian Judicial Procedure, The Judiciary Law Journal, Vol: 87, no. 124, pp: 1-40. (in Persian)
23. Mohaghegh Helli, (1409 Lunar Year), Sharaye-ol-Islam, Vol: 2, Tehran: Esteghlal pub. (in Arabic)
24. Mohseni, Hassan & Mirshekari, Abbas, (2016), Study of Late Payment Damages of Debt Resulting from Civil Liability with Emphasis on Case Law, Private Law Studies Quarterly, Vol: 46. No. 1, pp: 139-156. (in Persian)
25. Mussavi Ardebili, Seyed Abdol Karim, (1379 Solar Year), Feghh-ol- Mozarebe, Qom: Al-Nashr for Mufid University. (in Arabic)
26. Naghavi, Amir Hossein & Taleb Ahmadi, Habib, (2020), Civil Liability of Reliance in the Case of Invalidity of Contract, Civil Law Knowledge, vol: 8, no. 16, pp: 141-155. (in Persian)
27. Nematollahi, Ismail, (2024), An Introduction to A Comparative Study of Damages for Breach of Contract in Common Law, Civil Law and Iranian Law, 1st ed, Tehran, ShahreDanesh pub. (in Persian)
28. Nouri, Mohammad Ali, (2013), Egyptian Civil Code, 2nd ed, Tehran, Ganje Danesh Publication. (in Persian)

29. Rabiee, Ahman & Tatari, Amin, (2022), The Iraq Civil Code, 1st ed, Majd publication. (in Persian)
30. Ranjbar, Masood Reza, (2016), Measuring Damages Resulted from Breach of Contract, 3rd ed, Tehran, Mizan Legal Foundation. (in Persian)
31. Sa'adat Mostafavi, Mostafa & Hushmand Firoozabadi, Hossein, (2010), Lucrum Cessans (Loss of Profit), Journal of Islamic Law, vol:7, no. 26, pp: 59-88. (in Persian)
32. Sabahi, Borzu, Duggal, Kabir, Birch, Nicolas, (2018), Principles Limiting the Amount of Compensation, in Christina L. Beharry (ed) Contemporary and Emerging Issues on the Law of Damages and Valuation in International Investment Arbitration, Lieden, Boston.
33. Sabzevari, Abdol Ali, (No date), Mohazzab-ol-Ahkam Fi Bayane Halal va Haram, Vol: 20, Qom: Dar-ol-Tafsir. (in Arabic)
34. Safai, Seyed Hossein & Rahimi, Habibollah, (2021), Comparative Tort Law, 2nd ed, Tehran, Shahredanesh Publication. (in Persian)
35. Safai, Seyed Hossein & Rahimi, Habibollah, (2016), Civil Liability (Non-contractual obligations), 3rd ed, Tehran, Samt publication. (in Persian)
36. Shiravi, Abdol Hossein, (2021), Civil Law of China, 1st ed, Tehran, Shahredanesh Publication. (in Persian)